

مطالعه گونه‌شناختی و گاهنگاری مقایسه‌ای ظروف سفالین تپه گیان نهاوند: مجموعه موزه مقدم دانشگاه تهران

نیلوفر مقیمی*

دانشجوی دکتری گرایش پیش از تاریخ باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

(از ص ۱۶۷ تا ۱۸۸)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۰۶/۳۱؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۵/۱۰/۱۹

چکیده

تپه گیان نهاوند یکی از نخستین و مهم‌ترین محوطه‌های کاوش‌شده واقع در حوزه فرهنگی - جغرافیایی زاگرس مرکزی است. کاوش در این محوطه در سال‌های ۳۲-۱۹۳۱م. با روش‌های غیر علمی و با دیدگاه‌های عتیقه‌جویی و کشف اشیاء نفیس انجام گرفت. با وجود چنین کاوشی، آثار و یافته‌های فرهنگی به‌دست‌آمده از دوره‌های مختلف پیش از تاریخ در گیان به قدری مهم و حائز اهمیت بوده‌اند که مبنای گاهنگاری منطقه قرار گرفتند و همچنان نیز در مطالعات باستان‌شناسی مورد توجه پژوهشگران هستند. مجموعه قابل‌توجهی از آثار تپه گیان در موزه مقدم دانشگاه تهران نگهداری می‌شوند. بیست ظرف سفالین سالم موجود در این مجموعه به هدف معرفی، گونه‌شناسی و ارائه گاهنگاری مقایسه‌ای برای این نوشتار انتخاب شده‌اند. همچنین، مطالعه این مجموعه فرصت مناسبی برای واری گاهنگاری دوره‌های فرهنگی تپه گیان فراهم می‌کند. روش کار به این صورت بوده است که تمامی ظروف، مستندنگاری و گونه‌شناسی شده و سپس با توجه به ویژگی‌های مختلف نظیر شکل ظرف و ساختار نقوش با محوطه‌های هم‌زمان در منطقه مورد مقایسه قرار گرفته و در نهایت گاهنگاری نسبی آنها ارائه شده است. در نتیجه، همه ظروف مجموعه موزه مقدم به عصر مفرغ (میانی و متأخر) و دوره گذار از عصر مفرغ به آهن تعلق دارند.

واژه‌های کلیدی: موزه مقدم، تپه گیان، گاهنگاری، عصر مفرغ

* رایانامه نویسنده مقاله: moghimi.nilufar@ut.ac.ir

۱. مقدمه

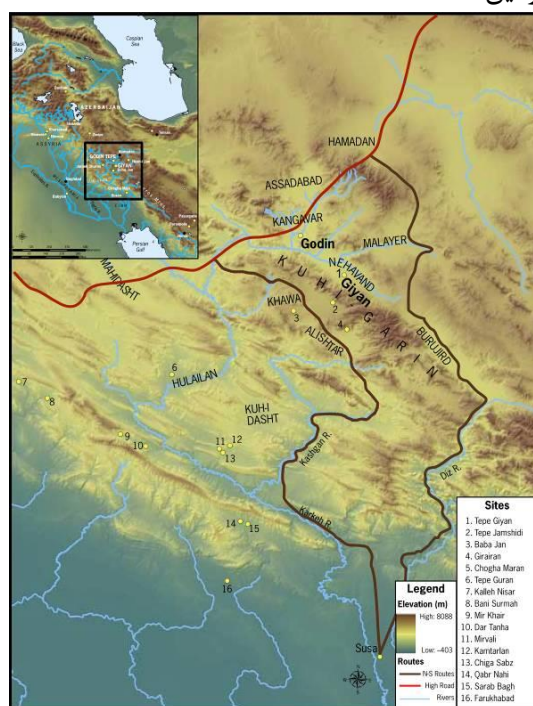
منطقه غرب ایران همواره در مطالعات باستان‌شناسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و پژوهشگران مختلف در این منطقه به کاوش و بررسی‌های باستان‌شناسی پرداخته‌اند. این منطقه مرتفع به دلیل قرارگیری در مسیر جاده بزرگ شرق به غرب، ارتباط با فلات مرکزی و سرزمین‌های پست خوزستان و بین‌النهرین و دارابودن برهمکنش‌های فرهنگی و سیاسی با مناطق یادشده، حائز توجه است. وجود مکان‌های مربوط به عصر پارینه‌سنگی و محوطه‌هایی که امکان بررسی چگونگی فرایند نوسنگی‌شدن را به‌دست می‌دهند و همچنین وجود محوطه‌های مربوط به عصر مس‌سنگی، مفرغ، آهن و دوران تاریخی نیز اهمیت این منطقه را دو چندان کرده است. تپه گیان، یکی از محوطه‌های شاخص منطقه زاگرس مرکزی است که دارای توالی فرهنگی از دوره مس‌سنگی تا عصر آهن می‌باشد و ویژگی‌های فرهنگی شناخته‌شده در آن مبنای گاهنگاری منطقه قرار گرفته بوده و هست. این محوطه را در سال‌های ۱۹۳۱-۳۲ م، کنتنو و گیرشمن، باستان‌شناسان فرانسوی اعزام شده از سوی موزه لوور فرانسه، مورد کاوش قرار دادند و در سال ۱۹۳۵ م. نیز گزارش کاوش آن به زبان فرانسوی منتشر شد (Contentau and Ghirshman 1935). کاوش متری و غیر روشمند یکی از مشکلات اساسی تپه گیان است؛ به‌طوری‌که با انجام کاوش‌های علمی در محوطه‌های همجوار نظیر تپه گودین، گاهنگاری منطقه بیشتر بر مبنای یافته‌های آنها تعریف و تأسیس گردید.

اگرچه کاوش این محوطه فاقد انسجام و اطلاعات لایه‌نگاری دقیق است، شاخصه‌های فرهنگی مشترک در منطقه به‌ویژه در ارتباط با سبک، نقش، شکل و فناوری تولید ظروف سفالی، امکان بازشناسی دقیق زمان و گاهنگاری یافته‌ها را فراهم می‌سازد. از سوی دیگر، باوجود یافته‌های ارزشمند تپه گیان - به‌خصوص در ارتباط با عصر مفرغ و آهن - عموماً اطلاعات موجود درباره آن اندک و پراکنده است. بخشی از مواد فرهنگی کشف شده از تپه گیان هم‌اکنون در موزه لوور و بخشی از آنها در موزه‌های داخل ایران نگهداری و در معرض نمایش قرار گرفته‌اند. مجموعه‌ای قابل توجه از اشیاء متنوع فرهنگی و ظروف سفالین سالم یافت‌شده از تپه گیان در موزه مقدم دانشگاه تهران موجود است. نگارنده، طرحی پژوهشی را به منظور مطالعه و معرفی این مجموعه به مسئولین موزه مذکور تقدیم نمود که پس از بررسی و موافقت با طرح، امکان انجام این مطالعه در تاریخ ۲۰ تا ۲۶ اسفندماه سال ۱۳۹۲ ش. فراهم شد. از این رو، مطالعه تعداد ۲۰ ظرف سفالین سالم که به دوره‌های مختلف تپه گیان منسوب هستند با دو هدف اصلی به انجام رسید: (۱) معرفی مجموعه ظروف سفالین تپه گیان که در موزه مقدم موجود هستند؛ (۲) بررسی و مطالعه گونه‌شناسی ظروف و ارائه گاهنگاری نسبی برای آنها. برای انجام پژوهش، نخست، مجموعه ظروف سفالی از داخل گنجینه و ویتترین‌ها به محل مطالعه در موزه منتقل شدند و تمامی مراحل مستندنگاری شامل تهیه تصویر و طرح و ثبت تمامی ویژگی‌های ظاهری و فنی آنها به انجام رسید. در مرحله بعد، گاهنگاری و دوره‌بندی ظروف سفالی بر اساس اطلاعات موجود در گزارش کاوش تپه گیان و همچنین مقایسه با دیگر محوطه‌های منطقه که دارای هم‌پوشانی فرهنگی بودند، بازشناسی شد. سپس به تفکیک دوره فرهنگی، ویژگی‌های گونه‌شناختی و فناوری تولید تمامی ظروف سفالین به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفت و این ویژگی‌ها با رویکرد درزمانی (در توالی دوره‌های خود محوطه) و هم‌زمانی (مقایسه دوره به دوره با محوطه‌های همزمان در منطقه) مورد مقایسه و تطبیق قرار گرفتند.

۲. تپه گیان

۲-۱. موقعیت جغرافیایی و چشم‌انداز زیست - محیطی

تپه گیان در حدود ۱۵ کیلومتری شمال شهرستان نهاوند، در دره نهاوند و در مرکز روستایی با همین نام قرار دارد (تصویر ۱). شهرستان نهاوند در شمال رشته‌کوه گرین که از رشته‌کوه‌های بلند زاگرس مرکزی است، واقع شده و در حدود ۱۷۴۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد؛ آب‌وهوای آن نیمه‌خشک با زمستان‌های سرد و تابستان‌های معتدل، و رژیم بارندگی آن از نوع اقلیم مدیترانه‌ای است (جلالوند ۱۳۷۶). این منطقه از چین‌خوردگی‌های بزرگ سلسله‌کوه‌های زاگرس به‌وجود آمده و دشت‌های میان‌کوهی به‌نسبت وسیعی نظیر دشت نهاوند در آنجا وجود دارد. شهر نهاوند از قدیم در مسیر ارتباطی بین‌النهرین و ایران قرار داشته و از طریق لرستان به شوش متصل می‌شود (طلایی ۱۳۸۶: ۱۲). وجود دره‌های حاصلخیز با رودهای دائمی و فصلی، چشمه‌های دائمی (شایان ۱۳۷۶)، ظرفیت‌های محیطی (کیانی ۱۳۷۹: ۸۱-۸۲) و قرارگرفتن این منطقه در مسیر راه مواصلاتی بزرگ شرق به غرب - که حدّ واسط منطقه فلات مرکزی، غرب و جنوب غرب است - در مجموع، باعث شکل‌گیری سکونتگاه‌ها و استقرارهای انسانی به‌صورت متوالی و مداوم شده که نمونه‌های بارز و شناخته‌شده آنها، تپه گیان و گودین هستند.

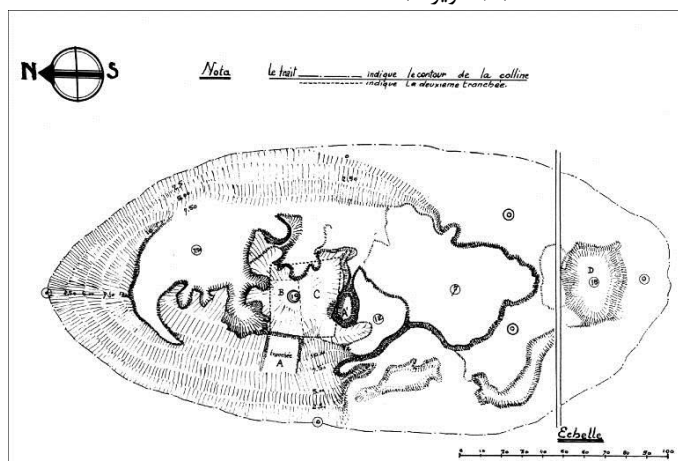


تصویر ۱. نقشه زاگرس مرکزی و موقعیت تپه گیان و دیگر محوطه‌های اشاره شده در متن (Henrickson 2011: Fig. 6-43)

۲-۲. پیشینه پژوهش‌های باستان‌شناسی

ظروف سفالین و اشیاء مفرغی تپه گیان که از حفاری‌های قاچاق به‌دست آمده بودند و محل کشف آنها ناشناخته بود، توجه هرتسفلد را به خود جلب کرد و وی در سال ۱۹۲۸م. طی بررسی باستان‌شناسی در شرق لرستان موفق به شناسایی تپه گیان شد (Herzfeld 1929). این محوطه را جورج کنتنو و رومن گیرشمن، باستان‌شناسان فرانسوی که از سوی موزه لوور پاریس اعزام شده بودند، از پاییز سال ۱۹۳۱ تا اوایل سال ۱۹۳۲م. در دو فصل مورد کاوش قرار دادند و نتایج آن در سال ۱۹۳۵م. به طبع رسید (Contenau and

Ghirshman 1935). تپه گیان ۳۵۰ متر طول و ۱۵۰ متر عرض دارد و ارتفاع آن از سطح زمین‌های اطراف ۱۹ متر است. کاوش این محوطه به روش متری انجام شده که در نتیجه تعداد ۱۲۲ گور، پنج طبقه فرهنگی، چهار مرحله ساختمانی، انواع ظروف سفالین سالم و شکسته، انواع ادوات و اشیاء فلزی، زیورآلات مختلف و جز اینها کشف گردید. کاوش در پنج ترانشه انجام گرفت که ترانشه‌ها با حروف الفبای لاتین نام‌گذاری شده‌اند؛ در مجموع کاوش تا عمق ۲۱/۵ متری ادامه پیدا کرد و خاک بکر نیز در عمق ۱۹ متری از سطح تپه مشخص شد (Contenau and Ghirshman 1935: 4-7) (تصویر ۲).



تصویر ۲. نقشه منحنی میزان تپه گیان و محل ترانشه‌های کاوش شده (Contenau and Ghirshman 1935: Pl. 2)

در تابستان و پاییز سال ۱۳۸۲ ش. مهرداد ملکزاده طی دو فصل کاوش از سوی سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهش‌های بازنگری باستان‌شناسی تپه گیان را به انجام رساند. در این کاوش‌ها به تعیین عرصه و حریم محوطه، گمانه‌زنی، لایه‌نگاری در مرکز تپه و کاوش پی‌گردی و بازشناسی گاهنگاری محوطه پرداخته شد و سازه‌ای منتسب به عصر آهن ۳ (کوشکی به سبک آشوری - مادی مربوط به تاریخ ۹۰۰ تا ۶۰۰ پ.م) کشف گردید (ملکزاده ۱۳۸۳). همچنین در سال ۱۳۹۰ ش.، علی خاکسار، پروژه تعیین عرصه و پیشنهاد حریم تپه گیان را به انجام رساند که طی آن ۲۷ گمانه آزمایشی ایجاد شد (خاکسار ۱۳۹۱) و یک تدفین از عصر مفرغ میانی (گیان III و IV) در این گمانه‌زنی‌ها به‌دست آمد (Hemati and Khaksar 2013).

۳. مراحل تپه گیان و دیدگاه‌های گاه‌شناختی

به سبب فقدان لایه‌نگاری دقیق، آثار و مواد فرهنگی شناسایی شده در ۱۹ متر نهشته باستانی تپه گیان با توجه به گونه‌های سفالی و اشیاء موجود در قبور به پنج طبقه اصلی تقسیم شده‌اند که طبقه V قدیمی‌ترین و طبقه I جدیدترین است. نزدیک به ۱۰ متر از ضخامت نهشت‌های تپه گیان از سطح خاک بکر در عمق ۱۹ متری تا عمق ۹ متری مربوط به «طبقه V» می‌شود (Contenau and Ghirshman 1935: 62) (جدول ۱). طلایی، معتقد است که بازه زمانی طبقه V در حدود ۱۵۰۰ سال (حدود ۴۵۰۰ تا ۳۰۰۰ پ.م) را دربر می‌گیرد (۱۳۸۵: ۹۷) و یافته‌های فرهنگی این طبقه را می‌توان در چارچوب دوره مس‌سنگی منطقه مورد توجه قرار داد (طلایی ۱۳۹۰: ۷۱؛ همچنین بنگرید به Goff 1971). این طبقه خود به چهار طبقه کوچکتر تقسیم شده که پایین‌ترین آنها طبقه VA و بالاترین آنها VD است. شادروان عزت‌الله نگهبان سفال‌های طبقه VB را همزمان

با اواخر دوره چشمه‌علی می‌داند (نگهبان ۱۳۷۶: ۳۸۴-۳۸۳). سفال‌های طبقه VC با دوره III₃ تپه سیلک کاشان و دوره‌های شوش A، B و C همزمان دانسته شده است (ملک شه‌میرزادی ۱۳۷۴: ۱۸-۱۷).

«طبقه IV» ضخامتی نزدیک به ۱/۵ متر دارد که عمق ۹ تا ۷/۵ متری از سطح تپه را شامل می‌شود. آثار طبقه چهارم از یک گورستان به‌دست آمده که ۱۷ قبر آن مورد کاوش قرار گرفته است. سفال نخودی با نقوش سیاه‌رنگ، شاخص این طبقه است (واندنبرگ ۱۳۴۵: ۸۹؛ طلایی ۱۳۸۵: ۹۷). به نظر کاوشگران، سفال‌های این طبقه از نوع سفال‌های شوش ب (Susa II) هستند که در بین‌النهرین با عنوان دوره اروک V و IV شناخته می‌شوند (Contenau and Ghirshman 1935: 68) (جدول ۱). دایسون، فرهنگ طبقه IV و III را متأثر از فرهنگ شوش D با شاخصه سفال منقوش ایلامی در نیمه دوم هزاره سوم پ.م می‌داند (Dyson 1973: 692) و قبور و یافته‌های طبقه IV را در سه گروه IVA، IVB و IVC تقسیم کرده است (Dyson 1965: 232)؛ هنریکسون اما با توجه به سبک تولید و نقوش معتقد است که قبور IVC همزمان با طبقه III هستند (Henrickson 1984: 27). این طبقه با توجه به گاهنگاری و لایه‌نگاری گودین تپه (گودین III:4 و III:5)، بازه زمانی ۲۴۰۰ تا ۱۹۰۰ پ.م را دربرمی‌گیرد و در قالب دوره مفرغ میانی قابل بررسی است (Henrickson 1985: Tab. 1; Henrickson 1986: Fig. 3) (جدول ۲).

آثار فرهنگی «طبقه III»، از عمق ۷/۵ تا ۶ متری به‌دست آمده است و قبور ۸۳ تا ۱۰۱ را شامل می‌شود (Contenau and Ghirshman 1935: 70 & 139) (جدول ۱). دایسون، قبور گیان III را به دو گروه IIIA (قبور ۹۹ تا ۹۰ و ۸۶ تا ۸۴) و IIIB (قبور ۸۹-۸۷ و ۸۳) تقسیم‌بندی کرده است (Dyson 1973: 696). سفال شاخص طبقه IIIA به روش چرخ‌ساز و به رنگ قرمز آجری با نقوش سیاه است (Dyson 1973: 696؛ طلایی ۱۳۸۶: ۱۴). در قبور IIIB اشیاء فلزی وجود ندارد و شاخص سفالی آن ظروف منقوش چندرنگ است (Dyson 1973: 696). دایسون، گیان III را به بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۱۶۰۰ پ.م مربوط می‌داند (Dyson 1973: 702) و به اعتقاد گاف، گونه‌های سفالی این طبقه زمانی پدیدار شدند که ایلام از استیلای بین‌النهرین خارج گشت و روابط تجاری با مناطق غرب و شمال غرب ایران بیشتر شد و سبک‌های محلی سفالگری به‌وجود آمدند (Goff 1971: 150). مشابه این گونه سفالی خارج از حوزه زاگرس مرکزی از گوی تپه و هفتوان تپه (۱۹۰۰-۱۶۰۰ پ.م) در حوضه دریاچه ارومیه (Edwards 1981) و تپه سگرآباد در دشت قزوین (طلایی ۱۳۸۶: ۱۴) نیز کشف شده است. این طبقه بر اساس گاهنگاری گودین تپه (گودین III:2)، بازه زمانی ۱۹۰۰ تا ۱۶۰۰ پ.م و دوره فرهنگی مفرغ میانی را دربرمی‌گیرد (Henrickson 1985: Tab. 1; Henrickson 1986: Fig. 3) (جدول ۲).

آثار «طبقه II» از عمق ۵/۵ تا ۴ متری تپه و از قبور ۶۴ تا ۸۲ و فضاهای معماری کشف شده‌اند. دایسون، قبور و یافته‌های این طبقه را به سه گروه شامل IIA (قبور ۸۲، ۸۱، ۷۶، ۷۴ تا ۷۲)، IIIB (قبور ۷۹، ۷۷، ۷۵، ۷۱، ۶۵ و ۶۴) و IIC (قبور ۶۹، ۶۶، ۶۳ تا ۶۰، ۴۳ و ۴۰) تقسیم کرده و بر اساس برخی از گونه‌ها و ویژگی‌های طبقه III که در طبقه II نیز وجود دارند، احتمال می‌دهد که طبقه III در دوره II نیز ادامه یافته باشد. سفال گروه اول (IIA)، لبه مسطح و منقوش دارد که نقوش آنها با دین‌خواه تپه قابل‌مقایسه‌اند و گروه دوم (IIIB) که بیشتر یافته‌های گیان II از آنها به‌دست آمده، دارای سفال نخودی منقوش با نقش‌مایه‌های مشخص گردونه خورشید و پرندگان است که تاریخ ۱۵۰۰-۱۴۰۰ پ.م (مفرغ متأخر) برای آن پیشنهاد می‌شود. همچنین شاخص دوره IIC ساغره‌های منقوش و کوزه‌های دهانه‌گشاد است که به تاریخ ۱۴۰۰-۱۲۰۰ پ.م منسوب هستند (Dyson 1973: 708-710؛ طلایی ۱۳۸۱: ۲۷). این دوره از نظر ینگ، مرحله گذر از عصر مفرغ به آهن است (Young 1965: 66). با توجه به گاهنگاری و لایه‌نگاری تطبیقی تپه گیان و تپه گودین، مراحل گیان IIA & B همزمان با گودین فرا

III:2 (post III:2) است که بازه زمانی ۱۶۰۰ تا ۱۴۰۰ پ.م و دوره فرهنگی مفرغ متأخر را دربرمی‌گیرد (Henrickson 1985: Tab. 1; Henrickson 1986: Fig. 3) (جدول ۲). در پایان دوره II است که سنت سفال منقوش به پایان می‌رسد و سفال‌های خاکستری شاخص عصر آهن رواج می‌یابند.

«طبقه I» از سطح تپه تا عمق ۴ متری را دربرمی‌گیرد و قبور ۱ تا ۶۳ مربوط به این طبقه می‌شوند (جدول ۱). این طبقه مربوط به عصر آهن است که به سه دوره A، B و C تقسیم شده بود (واندنبگ ۱۳۴۵: ۹۰). یانگ این طبقه را به چهار زیردوره تقسیم کرد که عبارتند از I4 (قبور ۵۹ تا ۲۹)، I3 (قبور ۲۸ تا ۲۰)، I2 (قبور ۱۹ تا ۶) و I1 (قبور ۵ تا ۱). وی قبور ۶۳ تا ۶۰ را مربوط به دوره گذر از گیان II (مفرغ متأخر) به گیان I (آهن) می‌داند و این دوره را با عنوان «گیان II-I» نام‌گذاری کرده است؛ شاخصه اصلی این دوره ساغره‌های پایه‌دار بلند منقوش به نوارهای افقی و عمودی، پرندگان و گیاهان هستند که در قبور ۶۹ و ۶۶ از طبقه II نیز به‌دست آمده‌اند (Young 1965: 66, 68). دایسون، این دوره را بعدها به‌عنوان دوره IIC معرفی کرد و علاوه بر قبور مذکور، قبور ۴۳ و ۴۰ را نیز منتسب به این مرحله دانست. ساغره‌های پایه‌دار خاکستری براق و یا قرمز بدون نقش در دوره I4-3 نیز رواج دارند و دایسون آنها را به عصر آهن ۱ و تاریخ ۱۲۰۰-۱۰۰۰ پ.م متعلق دانسته است (Dyson 1973: Tab. 4) و مشابه آنها در حسنلو V و گورستان الف سیلک (سیلک V) وجود دارد (Young 1965: 70-74). سفال‌های گیان I2-1 با گورستان ب سیلک (سیلک VI) قابل‌مقایسه هستند. مشابه سفال شاخص نخودی صیقلی منقوش از طبقه I1 که به سفال «نوع لرستان» (Genre Luristan) شهرت دارد (Contanau and Ghirshman 1935: 75) از گورستان ب سیلک و مراحل ۱ تا ۳ تپه مرکزی باباجان به‌دست آمده و گاف آنها را به قرون ۹ و ۸ پ.م (دوره آهن ۲) تاریخ‌گذاری می‌کند (Goff 1968: 124-125).

جدول ۱. مراحل تپه گیان و گاهنگاری پیشنهادی کنتنو و گیرشمن (Contenau and Ghirshman 1935: 17, 79-81)

مرحله	عمق (متر)	شماره گور	تاریخ (پ.م)
I	۴ تا ۰	۱ تا ۶۳	۱۱۰۰ تا ۱۴۰۰
II	۴ تا ۵/۵	۶۴ تا ۸۲	۱۴۰۰ تا ۱۸۰۰
III	۶ تا ۷/۵	۸۳ تا ۱۰۱	۱۸۰۰ تا ۲۵۰۰
IV	۷/۵ تا ۹	۱۰۲ تا ۱۱۹	۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰
V	۹ تا ۱۹	۱۲۰ تا ۱۲۲	شوش I

فرهنگ عصر مفرغ میانی و متأخر زاگرس مرکزی که با عنوان «گیان II-IV» یا «گودین III» شهرت دارد، برای نخستین‌بار در تپه گیان شناسایی شده است. این فرهنگ در بررسی‌های باستان‌شناسی انجام‌گرفته در مناطق مختلف زاگرس مرکزی نیز شناسایی شده و محوطه‌های چندی از این دوره مورد کاوش قرار گرفته‌اند که بیانگر حوزه گسترش آن است. اولین فعالیت‌ها بین سال‌های دو جنگ جهانی انجام گرفت و می‌توان به کاوش مقبره گیلویران در دره خرم‌آباد توسط هرتسفلد (Herzfeld 1929)، کاوش تپه جمشیدی (گیان II-IV) در دره خاوه و گورستان بدهورا (گیان II-IV) در دره اسدآباد توسط گیرشمن در سال ۱۹۳۳ (Contenau and Ghirshman 1935) اشاره کرد. «هیئت باستان‌شناسی هلمز در لرستان» به سرپرستی اریخ اشمیت با اصول علمی‌تری در منطقه فعالیت کردند که شامل بررسی اشمیت در سال ۱۹۳۴ از دره‌های رومشگان، سیمره و کاوش محوطه‌های کموتران ۱ و ۲ (گیان II-IV)، چغاسبز (گیان I-IV)، میرولی (گیان II-IV) و بررسی سال ۱۹۳۸ در منطقه کوه‌دشت، دلفان و طره‌ان می‌شود و محوطه سرخ‌دم لری (گیان III)، دم آویزه (گیان III-IV) و خاتون‌بان مورد کاوش قرار می‌گیرند (Schmidt et al. 1989).

کایلر یانگ دره‌های اسدآباد، کنگاور، صحنه، نهاوند، بروجرد و خرم‌آباد را در سال‌های ۱۹۶۱ و ۱۹۷۴ بررسی نمود و ضمن کشف ۵۷ محوطه از فرهنگ گیان (Young 1966 & 1975) II-IV، گودین تپه را کاوش کرد (Young and Levin 1974). هیئت دانمارکی در سال ۱۹۶۲ دره‌های شاه‌بداغ، هلیلان، بلوران، طرهان و کوه‌دشت را بررسی کردند که در طی آن، ۱۷ محوطه فرهنگ گیان II-IV کشف شد (Thrane 1965) و تپه گوران که علاوه بر نهشت‌های دوره نوسنگی، آثاری از استقرار و گورستان هزاره دوم (گیان II-III) و اول پ.م را نیز در خود جای داده بود، کاوش نمودند (Meldgard et al. 1964; Thrane 2001). گاف، در سال ۱۹۶۳ غرب لرستان و در سال ۱۹۶۴ شرق لرستان را بررسی نمود که در نتیجه محوطه‌های زیادی از دوره گیان I-V شناسایی شد (Goff 1966 & 1971). گاف که کاوش محوطه باباجان را هدایت می‌کرد، در سال ۱۹۶۶ مراحل 4A-C و V (گیان II-IV) در تپه مرکزی باباجان را مورد کاوش و لایه‌نگاری قرار داد (Goff 1976). پشتکوه که در حدفاصل سرزمین‌های مرتفع غرب مرکزی و پست جنوب غرب قرار گرفته نیز از دیگر مناطقی است که فرهنگ گیان II-IV در آنجا بر اساس بررسی‌ها و کاوش‌های واندنبرگ طی ۱۳ فصل بین سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۷ م. شناسایی شده است (Vanden Berghe 1979a)؛ از جمله گورستان‌های مهم کاوش‌شده عصر مفرغ آنجا می‌توان به بنی‌سُرمه (Haerinck and Overlaet 2006)، کله‌نِسار (Haerinck and Overlaet 2008)، میرخیر (Vanden Berghe 1979b)، دَرْتنها، قبرناهی و سراب باغ (Vanden Berghe 1979a: 39-46) اشاره کرد. اساساً در این مرحله از فعالیت‌ها بود که چارچوب باستان‌شناسی و گاهنگاری پیش از تاریخ منطقه شکل گرفت و راهبرد مطالعات بیشتر به پاسخ‌گویی پرسش‌های موجود و تکمیل مدارک و شواهد باستان‌شناسی توجه داشت. این فعالیت‌ها با وقوع انقلاب اسلامی ایران متوقف شد.

مرحله بعدی مطالعات باستان‌شناسی زاگرس مرکزی مربوط به پس از انقلاب اسلامی تا کنون می‌شود که با توجه به حضور پررنگ باستان‌شناسان و متخصصان ایرانی، نقطه عطفی در این حوزه است. در سال ۱۳۶۰ تپه باستانی نورآباد در شهرستان نورآباد لرستان توسط سیدسجادی مورد کاوش قرار گرفت و آثاری مشابه با دوره گیان II-IV در آنجا شناسایی شد (سیدسجادی و سامانی ۱۳۷۸). بررسی‌های باستان‌شناسی نیز جایگاه ویژه‌ای در پیشبرد مطالعات عصر مفرغ منطقه داشته‌اند که عموماً به صورت روشمند انجام شده‌اند (موسوی کوهپر و حیدریان ۱۳۸۷؛ مترجم و نیکنامی ۱۳۹؛ حیدریان ۱۳۹۲؛ مترجم و الماسی ۱۳۹۲). در سال ۱۳۸۴ بررسی پیمایشی دشت نهاوند (سرچشمه گاماسیاب) به منظور شناسایی الگوهای استقرار و زیستگاهی این منطقه انجام گرفت که در مجموع از ۳۶ محوطه شناسایی شده، ۱۶ اثر مربوط به عصر مفرغ قدیم و میانی بوده‌اند و ارتباط نزدیک فرهنگی را با دیگر دشت‌های زاگرس مرکزی نشان می‌دهند (طلایی و دیگران ۱۳۸۵). بررسی اخیر هیئت ایرانی به سرپرستی کمال‌الدین نیکنامی در دشت سرفیروزآباد واقع در جنوب استان کرمانشاه نیز به شناسایی ۲۴ محوطه از دوره گودین III (گیان II-IV) انجامید (نیکنامی ۱۳۸۸؛ میرقادری و دیگران ۱۳۹۲).

در جمع‌بندی این بخش باید اذعان داشت که ارائه گاهنگاری نسبی برای یافته‌ها و دوره‌های فرهنگی تپه گیان می‌بایست با اتکا به گاهنگاری تطبیقی و مقایسه‌ای با دیگر محوطه‌های همزمان انجام شود. از این رو - علاوه بر توجه به محوطه‌هایی که در منطقه دارای فرهنگ یکسان با گیان هستند - گاهنگاری تپه گودین که در یک حوزه فرهنگی و دارای توالی فرهنگی مشابه با گیان می‌باشد، اساس و مبنا در نظر گرفته شده است. این محوطه در دره کنگاور قرار دارد و در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ م. به سرپرستی کایلر یانگ و لوین از سوی موزه سلطنتی اونتاریو در پنج فصل در سال‌های ۱۹۶۵، ۱۹۶۷، ۱۹۶۹، ۱۹۷۱ و ۱۹۷۳ کاوش شده است. این محوطه

آثاری از دوره روستانشینی آغازین تا پایان عصر مفرغ (۱۴۰۰ / ۱۳۰۰ پ.م) را در خود جای داده و پس از یک وقفه زمانی، در عصر آهن ۳ (مرحله گودین II = ۸۵۰ پ.م) مجدداً مورد سکونت قرار می‌گیرد (Young 1969; Young and Levin 1974)؛ لازم به ذکر است که تپه گیان علاوه بر تداوم استقرار از هزاره پنجم تا پایان عصر مفرغ، مرحله گذار از عصر مفرغ به عصر آهن را نیز در خود جای داده است. رابرت هنریکسون در قالب رساله دکتری خویش مطالعات کاملی در مورد گاهنگاری نسبی و مطلق مرحله III (عصر مفرغ) در گودین تپه انجام داده و برای این کار همواره تپه گیان یکی از ملاک‌های وی برای مقایسه و تطبیق بوده است که این موضوع در نهایت منجر به بازشناسی نسبی تاریخ دوره‌های فرهنگی تپه گیان شده است؛ گاهنگاری بازشناسی شده برای تپه گیان در جدول ۲ آمده و به‌منظور معرفی مجموعه ظروف سفالین موجود در موزه مقدم دانشگاه تهران نیز از این گاهنگاری استفاده شده است.

جدول ۲. توالی فرهنگی گیان IV تا I [جدول گاهنگاری تپه گیان بر اساس ترکیب گاهنگاری تطبیقی ارائه شده توسط هنریکسون (1985: Tab. 1) برای عصر مفرغ و گاهنگاری ارائه شده توسط بانگ (1965: Fig. 14)، گاف (1968)، دایسون (1973: Tab. 4) و هنریکسون (1983) برای عصر آهن تنظیم شده است.]

دوره فرهنگی*	تاریخ پ.م	مرحله گودین	مرحله گیان	قبور گیان
آهن ۳**	۵۵۰-۸۰۰	II	کوشک آشوری-مادی	---
آهن ۲	۸۰۰-۱۰۰۰	---	I2-1	۱ تا ۱۹
آهن ۱	۱۰۰۰-۱۲۰۰	---	I4-3	۲۰ تا ۵۹
گذار از مفرغ به آهن	۱۲۰۰-۱۴۰۰	---	IIIC / II-I	۶۰ تا ۶۳، ۶۶، ۶۹
مفرغ متأخر	۱۴۰۰-۱۶۰۰	Post-III:2	IIA-B	۸۳ تا ۷۹، ۷۷ تا ۷۲، ۷۱، ۶۵، ۶۴
مفرغ میانی	۱۶۰۰-۱۹۰۰	III:2	IIIA-B, IVC	۸۳ تا ۱۰۸، ۱۰۵ تا ۱۰۳، ۱۰۱ تا ۱۰۰، ۱۱۵، ۱۱۲
	۱۹۰۰ تا ۲۱۰۰	III:4	IVA	۱۱۹ تا ۱۱۶، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۱، ۱۰۹
	۲۲۰۰ تا ۲۴۰۰	III:5	(IVB)	۱۰۲
	۲۴۰۰ تا ۲۶۰۰	III:6	---	---

* گاهنگاری طبقه پنجم به دلیل عدم دسترسی به سفال‌های آن در مجموعه مورد مطالعه در این جدول لحاظ نشده است.

** این دوره در کاوش‌های بازرنگری هیئت ایرانی در سال ۱۳۸۲ به سرپرستی مهرداد ملکزاده شناسایی و معرفی شده است.

۴. مجموعه مورد پژوهش

در موزه مقدم دانشگاه تهران ۲۰ عدد ظرف سفالین به‌دست‌آمده از تپه گیان نگهداری و حفاظت می‌شوند که تمامی این ظروف در این نوشتار به‌منظور معرفی و گونه‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. در ادامه به ترتیب طبقه‌های فرهنگی از قدیم به جدید، فناوری تولید، شیوه‌های پرداخت، ساختار نقوش و شکل ظروف سفالین^۱ بررسی شده است. به ظروف سفالین علاوه بر شماره ثبتی موزه، یک شماره قراردادی نیز به ترتیب از ۱ تا ۲۰ اختصاص داده شده است. شایان ذکر است که طی مطالعات انجام شده مشخص شد که این ظروف مربوط به طبقات IV تا I تپه گیان هستند و هیچ نمونه‌ای از آنها مربوط به طبقه V نیست. انتساب ظروف به طبقات و دوره‌های مختلف بر مبنای گونه‌شناسی و همچنین مقایسه آن نمونه با ظروف مشابه در گورهای مختلف که در کتاب گزارش کاوش تپه گیان توسط کنتنو و گیرشمن (۱۹۳۵) به چاپ رسیده، انجام شده است؛ در بخش دیدگاه‌های گاه‌شناختی کاملاً در مورد گاهنگاری گورها بحث شده است (بنگرید به جدول ۲).

طبقه IV: هشت ظرف سفالین (ظروف ۱ تا ۸) مربوط به این طبقه می‌شوند که همگی از نوع نخودی منقوش هستند. این طبقه از لحاظ گاهنگاری به عصر مفرغ میانی متعلق است که دو زیردوره دارد: (۱) دوره IVA (۲۱۰۰ تا ۱۹۰۰ پ.م) شامل ظروف ۱ تا ۵؛ (۲) دوره IVC (۱۹۰۰ تا ۱۶۰۰ پ.م) شامل ظروف ۶ تا ۸.

• ظرف شماره ۱ (شماره ثبت در موزه مقدم: ۳۸۱۳): این ظرف به شکل خمره‌ای بزرگ با دهانه باز، لبه منحنی به بیرون برگشته، زاویه‌ای در شانه، بدنه مستقیم که با یک انحنا به قاعده متصل شده و کف تخت است که رنگ نخودی، پوشش گلی رقیق، حرارت پخت مناسب، کیفیت ساخت نیمه‌ظریف، خمیره منسجم و پرداخت سطح مات و صاف دارد و چرخ‌ساز است (قطر دهانه ۲۰، قطر کف ۱۱ و ارتفاع ۳۱ سانتیمتر). نقوش به سبک استیلیزه به رنگ قهوه‌ای تیره بر سطح بیرونی و در قسمت فوقانی ظرف با ساختار ترکیبی از نقش مایه‌های جانوری، هندسی و گیاهی ایجاد شده‌اند. داخل و بیرون دهانه ظرف با یک نوار پهن منقوش شده است. در قسمت شانه ظرف، ردیف نوارهای پهن و نازک افقی به موازات یکدیگر قرار گرفته‌اند که داخل آنها با خطوط مورب موازی پر شده است. در بخش اصلی بدنه (در زیر شانه و در محلی که شانه توسط یک زاویه ملموس به بدنه ظرف متصل شده) و درون چارچوبی که نوارهای افقی پهن ایجاد کرده‌اند، ردیف پرندگانی نقش شده‌اند که بر پشت یکدیگر سوار هستند و بدن آنها کشیده شده و سر آنها روبه‌پایین است؛ قسمت مرکزی اندام این پرندگان به یکدیگر چسبیده و گویی یک پرنده دو قلو را که در سمت راست و چپ یک سر دارد نمایش داده‌اند. این نقش دوبار تکرار شده که سه ردیف خطوط ترکیبی به شکل یک گیاه آنها را از یکدیگر جدا کرده است؛ مابین پرندگان نیز خطوط موازی عمودی نقش شده است (تصویر ۳). ظرف شماره ۱ به دوره IVA تعلق دارد و نمونه‌های مشابه آن در تپه گیان از گورهای ۱۱۱، ۱۱۴ و ۱۱۷ (۱: 111: Gr. 32, Pl. 32, Contenau and Ghirshman 1935: 117 & Gr. 114: 1 & Gr. 117: 2) به‌دست آمده است.

• ظرف شماره ۲ (شماره ثبت در موزه مقدم: ۲۲۹۶): این ظرف نظیر ظرف شماره ۱ به شکل خمره‌ای بزرگ با دهانه باز، لبه منحنی به بیرون برگشته، انحنا شبیه به برجستگی در محل اتصال شانه به بدنه، بدنه مستقیم که با یک انحنا به قاعده متصل شده و کف تخت است و دارای رنگ نخودی، پوشش گلی رقیق، حرارت پخت مناسب، چرخ‌ساز، کیفیت ساخت نیمه‌ظریف، خمیره منسجم و پرداخت سطح مات و هموار است (قطر دهانه ۱۸، قطر کف ۹ و ارتفاع ۲۴٫۷ سانتیمتر). نقوش به سبک استیلیزه به رنگ سیاه بر سطح بیرونی و در قسمت فوقانی ظرف با ساختار ترکیبی از نقش مایه‌های جانوری، هندسی و گیاهی ایجاد شده‌اند. داخل و بیرون دهانه ظرف با یک نوار پهن منقوش شده است. در قسمت گردن و شانه ظرف، ردیف نوارهای پهن و نازک افقی به موازات یکدیگر قرار گرفته‌اند که داخل آنها با خطوط مورب موازی پر شده است. در بخش اصلی بدنه و درون چارچوبی از نوارهای افقی پهن، ردیف پرندگانی نقش شده‌اند که بر پشت یکدیگر سوار هستند و بدن آنها کشیده شده و سر آنها روبه‌پایین است؛ قسمت مرکزی اندام این پرندگان به یکدیگر چسبیده و یک پرنده دو قلو را که هم در سمت راست و هم چپ یک سر دارد، نمایش داده‌اند. در مقابل سر پرنده زیرین در هر دو سمت، یک گردونه خورشید (شبیه به نقش شمس) قرار دارد که نقوش پرندگان را که دو بار تکرار شده‌اند نیز از یکدیگر جدا کرده است. بین پایین‌ترین نوار افقی و پرنده زیرین، خطوط عمودی نقش شده‌اند (تصویر ۴). ظرف شماره ۲ به دوره IVA تعلق دارد و نمونه‌های مشابه آن در تپه گیان از گورهای ۱۱۳ و ۱۱۶ (1: 117: Gr. 116: 3 & Pl. 33, Gr. 113: 2; Pl. 32, Ghirshman 1935) به‌دست آمده است. نوع و

ساختار نقوش هندسی و همچنین شکل ظروف ۱ و ۲ با برخی از سفال‌های مرحله III:4 در گودین تپه تا حدودی قابل مقایسه هستند (Henrickson 1984: Fig. 121, Nos. 3-6 & Fig. 132, Nos. 7, 9).

• ظرف شماره ۳ (شماره ثبت در موزه مقدم: ۳۲۱۴): این ظرف به شکل کاسه عمیق دهانه‌باز با بدنه زاویه‌دار، لبه منحنی ساده و کف ساده مقعر است که دارای رنگ نخودی، پوشش گلی رقیق، حرارت پخت مناسب، چرخ‌ساز، کیفیت ساخت ظریف، خمیره منسجم و پرداخت سطح مات است (قطر دهانه ۷،۴، قطر کف ۳،۶ و ارتفاع ۸ سانتیمتر). نقوش به سبک استیلیر به رنگ قرمز متمایل به قهوه‌ای بر سطح بیرونی با ساختار ترکیبی از نقش‌مایه‌های جانوری و هندسی ایجاد شده‌اند. داخل و بیرون دهانه ظرف با یک نوار پهن منقوش شده است. در قسمت گردن ظرف سه نوار پهن افقی ایجاد شده که در بین دو مورد از آنها یک خط موج افقی رسم شده است؛ زیر زاویه بدنه (بخش پایینی بدنه) نیز دو نوار پهن افقی دیگر قرار دارند که حفاصل آنها سه مثلث تودرتو سه با تکرار شده‌اند که قاعده آنها به نوار پایینی و رأس آنها به نوار بالایی متصل است. بین مثلث‌ها در بخش اصلی بدنه (بخش میانه)، یک پرند آبی (اردک) در حالت شنا به صورت تقریباً مسبق رسم شده است. سر این پرند که منقاری دراز دارد به سمت پایین و در جهت چپ کشیده شده است (تصویر ۵). ظرف شماره ۳ به دوره IVA تعلق دارد؛ هرچند که از نظر سبک و موضوع نقوش نمونه دقیقاً مشابه با آن در تپه گیان شناسایی نشد، اما از منظر شکل با نمونه‌های به‌دست‌آمده از گورهای ۱۱۸ و ۱۱۹ (Contenau and Ghirshman 1935: Pl. 33, Gr. 118: 1-2; Pl. 34, Gr. 119: 2) قابل مقایسه است. نمونه‌های مشابه با شکل و ساختار نقوش این ظرف از مرحله III:5 در گودین تپه (Henrickson 1984: Fig. 100, Nos. 2, 4-5)، مرحله ۵ در تپه باباجان (Schmidt *et al.* 1989: Pl. 79: k) I، کموتران (Goff 1976: Fig. 9, Nos. 5-7 & Fig. 11, No. 10) و دم‌آویزه (Schmidt *et al.* 1989: Pl. 87: a) شناسایی شده است.

• ظرف شماره ۴ (شماره ثبت در موزه مقدم: ۴۵۶۳): این ظرف کوچک به شکل تنگی با دهانه نسبتاً بسته، لبه منحنی به بیرون برگشته، گردن استوانه‌ای شکل مقعر، زاویه‌ای در محل اتصال گردن به بدنه، بدنه مستقیم که با یک انحنا به قاعده متصل شده و کف ناصاف (فاقد ایستایی) است که رنگ نخودی، پوشش گلی رقیق، حرارت پخت مناسب، چرخ‌ساز، کیفیت ساخت ظریف، خمیره منسجم و پرداخت سطح مات دارد (قطر دهانه ۵،۴ سانتیمتر، ارتفاع ۸ سانتیمتر). نقوش به سبک استیلیر به رنگ قهوه‌ای تیره در نیمه فوقانی سطح بیرونی ظرف با ساختار ترکیبی از نقش‌مایه‌های هندسی ساده ایجاد شده‌اند. داخل و بیرون دهانه ظرف با یک نوار پهن منقوش شده است. در قسمت گردن ظرف سه نوار پهن افقی و زیر برجستگی حاصل از اتصال گردن به بدنه دو نوار پهن افقی دیگر قرار دارند که حفاصل آنها در بخش اصلی بدنه با خطوط مورب پر شده است (تصویر ۶). ظرف شماره ۴ به دوره IVA تعلق دارد و نمونه‌های مشابه آن در تپه گیان از گور شماره ۱۱۷ (Contenau and Ghirshman 1935: Pl. 33, Gr. 117: 5, 7) به‌دست آمده است. نمونه قابل مقایسه با این ظرف از مرحله III:4 در گودین تپه (Henrickson 1984: Fig. 110, No. 8) و چغاسبز (Schmidt *et al.* 1989: Pl. 94: i) شناسایی شده است.

• ظرف شماره ۵ (شماره ثبت در موزه مقدم: ۳۹۴۹): این ظرف کوچک تنگی با دهانه باز، لبه منحنی به بیرون برگشته، زاویه‌ای در محل اتصال گردن به بدنه، بدنه مستقیم که با یک انحنا به قاعده متصل شده و کف تخت است که رنگ نخودی، پوشش گلی رقیق، حرارت پخت مناسب، چرخ‌ساز، کیفیت ساخت ظریف، خمیره منسجم و پرداخت سطح مات دارد. نقوش به سبک استیلیر به رنگ قهوه‌ای تیره در نیمه فوقانی سطح

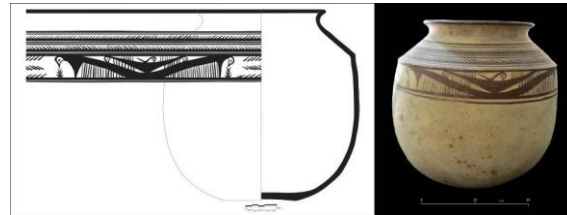
بیرونی ظرف با ساختار ترکیبی از نقش‌مایه‌های هندسی ساده ایجاد شده‌اند (قطر دهانه ۶٫۸ سانتیمتر، قطر کف ۵ سانتیمتر، ارتفاع ۷٫۹ سانتیمتر). داخل و بیرون دهانه ظرف با یک نوار پهن منقوش شده است. در قسمت گردن ظرف دو نوار پهن افقی و بالا و زیر برجستگی حاصل از اتصال گردن به بدنه دو نوار پهن افقی دیگر قرار دارند که حفاصل آنها با خطوط مورب پر شده است (تصویر ۷). ظرف شماره ۵ به دوره IVA تعلق دارد و نمونه‌های مشابه آن در تپه گیان از گورهای شماره ۱۱۳، ۱۱۴ و ۱۱۶ (Contentau and Ghirshman 1935: Pl. 32, Gr. 113: 4 & Gr. 114: 2; Pl. 33, Gr. 116: 2) از طبقه IV تپه جمشیدی در گورهای شماره ۱۷ و ۱۸ (Contentau and Ghirshman 1935: Pl. 80, Gr. 17: 3 & Gr. 18: 2) و مرحله III:4 در گودین تپه (Henrickson 1984: Fig. 110, Nos. 12-13 & Fig. 132: 1-2) به‌دست آمده‌اند.

• ظرف شماره ۶ (شماره ثبت در موزه مقدم: ۲۱۹۹): این ظرف کوچک به شکل تنگی با دهانه بسته، لبه منحنی ساده، زاویه‌ای در محل اتصال گردن به بدنه، بدنه محدب و کف مقعر ساده است که رنگ نخودی، پوشش گلی رقیق، حرارت پخت مناسب، چرخ‌ساز، کیفیت ساخت ظریف، خمیره منسجم و پرداخت سطح مات دارد (قطر دهانه ۳٫۵ سانتیمتر، قطر کف ۲٫۶ سانتیمتر، ارتفاع ۵٫۵ سانتیمتر). نقوش به رنگ قهوه‌ای تیره در نیمه فوقانی سطح بیرونی ظرف با ترکیبی از نقش‌مایه‌های هندسی ساده ایجاد شده‌اند. داخل و بیرون دهانه ظرف با یک نوار پهن منقوش شده و در قسمت گردن ظرف دو نوار پهن افقی و بر روی شانه دو نوار افقی پهن که به‌وسیله خطوط مورب به یکدیگر (شبه به نقوش نردبانی) متصل شده‌اند، ایجاد شده است (تصویر ۸). ظرف شماره ۶ به دوره IVC تعلق دارد و نمونه مشابه آن در تپه گیان از گور شماره ۱۰۹ (Contentau and Ghirshman 1935: Pl. 31, Gr. 109: 4) به‌دست آمده و با ظرف شماره ۸ در همین مجموعه نیز قابل قیاس است.

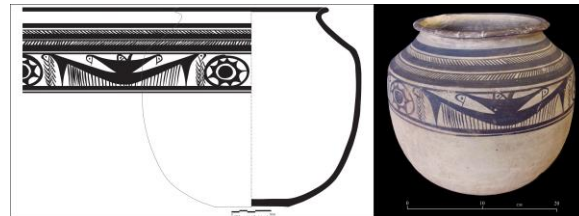
• ظرف شماره ۷ (شماره ثبت در موزه مقدم: ۴۵۶۵): این ظرف کوچک به شکل تنگی با دهانه نسبتاً باز، لبه منحنی ساده، دارای زاویه در محل اتصال گردن به بدنه (S شکل)، بدنه منحنی و کف ناصاف (فاقد ایستایی) است که رنگ نخودی، پوشش گلی رقیق، حرارت پخت مناسب، چرخ‌ساز، کیفیت ساخت ظریف، خمیره منسجم و پرداخت سطح مات دارد (قطر دهانه ۵٫۴ سانتیمتر، ارتفاع ۸ سانتیمتر). نقش‌مایه‌های هندسی به رنگ قهوه‌ای تیره بر سطح بیرونی و در نیمه فوقانی ظرف ایجاد شده‌اند. داخل و بیرون دهانه ظرف با یک نوار پهن منقوش شده است. در قسمت گردن و شانه ظرف (قسمت بالایی بدنه) نیز نوارهای پهن افقی ایجاد شده‌اند که داخل آنها با هاشورهای متقاطع پر شده است (تصویر ۹). ظرف شماره ۷ به دوره IVC تعلق دارد و نمونه‌های مشابه آن در تپه گیان از گورهای شماره ۱۰۵ و ۱۱۵ (Contentau and Ghirshman 1935: Pl. 30, Gr. 105: 1; Pl. 32, Gr. 115: 3) به‌دست آمده‌اند. نمونه‌های قابل مقایسه با این ظرف در محوطه‌های دیگر عبارتند از گورهای ۱۱ و ۱۵ از طبقه IV تپه جمشیدی (Contentau and Ghirshman 1935: Pl. 79, Gr. 11: 2 & Gr. 15: 1)، مرحله III:2 در گودین تپه (Henrickson 1984: Fig. 137, No. 13 & Fig. 138, No. 12)، کموترلان II (Schmidt et al. 1989: Pl. 94, e, g) و از لحاظ شکل با نمونه‌های موجود در گور شماره ۹ از مرحله G I در تپه گوران (Thrane 2001: Pl. 8, Nos. 2, 4 & 8) مشابه است.

• ظرف شماره ۸ (شماره ثبت در موزه مقدم: ۴۵۶۴): این ظرف کوچک به شکل تنگی با دهانه بسته، لبه منحنی به بیرون برگشته، زاویه‌ای در محل اتصال گردن به بدنه، بدنه محدب و کف ناصاف (محدب) است که رنگ نخودی، پوشش گلی رقیق، حرارت پخت مناسب، چرخ‌ساز، کیفیت ساخت ظریف، خمیره منسجم و پرداخت سطح مات دارد (قطر دهانه ۳٫۴ سانتیمتر، قطر کف ۲٫۲ سانتیمتر، ارتفاع ۵٫۱ سانتیمتر). نقوش با ساختار

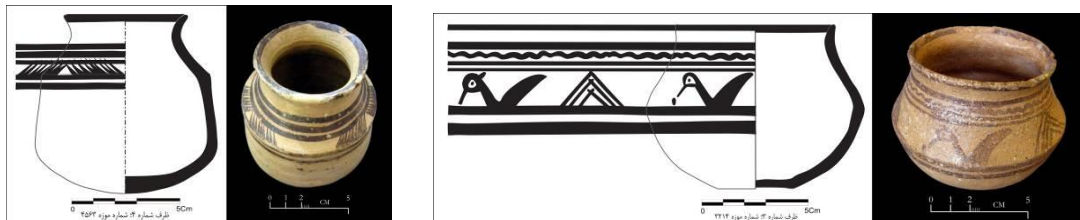
ترکیبی از نقش مایه‌های هندسی به رنگ قهوه‌ای تیره در نیمه فوقانی سطح بیرونی ظرف ایجاد شده‌اند. داخل و بیرون دهانه ظرف با یک نوار پهن منقوش شده و در قسمت گردن ظرف سه نوار پهن افقی و در بخش اصلی بدنه (بخش میانه) نیز سه نوار افقی پهن ایجاد شده‌اند که به وسیله خطوط عمودی مستقیم که نوک آنها تیز است به یکدیگر متصل می‌شوند (تصویر ۱۰). ظرف شماره ۸ به دوره IVC تعلق دارد و نمونه مشابه آن در تپه گیان از گور شماره ۱۰۸ (Contenau and Ghirshman 1935: Pl. 31, Gr. 108: 2) به دست آمده و همچنین به ظرف شماره ۶ نیز شبیه است. نمونه قابل مقایسه با این ظرف از مرحله 4A-C در تپه باباجان (Goff 1976: Fig. 8, Nos. 6-7) به دست آمده است.



تصویر ۳. ظرف شماره ۱ (موزه مقدم دانشگاه تهران)

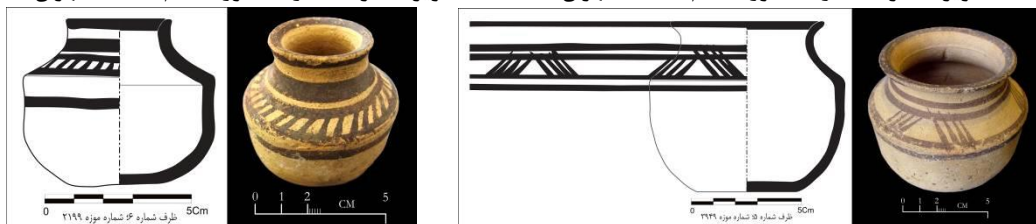


تصویر ۴. ظرف شماره ۲ (موزه مقدم دانشگاه تهران)



تصویر ۵. ظرف شماره ۳ (موزه مقدم دانشگاه تهران)

تصویر ۶. ظرف شماره ۴ (موزه مقدم دانشگاه تهران)



تصویر ۷. ظرف شماره ۵ (موزه مقدم دانشگاه تهران)

تصویر ۸. ظرف شماره ۶ (موزه مقدم دانشگاه تهران)



تصویر ۹. ظرف شماره ۷ (موزه مقدم دانشگاه تهران)

تصویر ۱۰. ظرف شماره ۸ (موزه مقدم دانشگاه تهران)

طبقه III: پنج ظرف سفالین (ظروف شماره ۹ تا ۱۳) مربوط به این طبقه می‌شوند که همگی از نوع قرمز آجری منقوش هستند. طبقه III از منظر گاهنگاری به عصر مفرغ میانی و محدوده زمانی ۱۹۰۰ تا ۱۶۰۰ پ.م. تعلق دارد و قسمت‌هایی از دوره IVC با این طبقه همپوشانی زمانی و فرهنگی دارد. طبقه III به دو دوره IIIA و IIIB تقسیم شده که ظروف مورد مطالعه همگی مربوط به دوره IIIA هستند:

• ظرف شماره ۹ (شماره ثبت در موزه مقدم: ۳۸۱۲): این ظرف به شکل ساغر سه‌پایه با دهانه باز، بدنه استوانه‌ای مقعر، لبه منحنی به بیرون برگشته و کف محدب (نیم‌کره) است که رنگ قرمز آجری، پوشش گلی رقیق، حرارت پخت مناسب، چرخ‌ساز، کیفیت ساخت ظریف، خمیره منسجم و پرداخت سطح مات دارد (قطر دهانه ۱۴ سانتیمتر، ارتفاع ۱۳٫۸ سانتیمتر). نقوش به رنگ قهوه‌ای با ساختار ترکیبی از نقش‌مایه‌های هندسی بر تمامی قسمت بیرونی ظرف ایجاد شده‌اند. داخل و بیرون دهانه با یک نوار پهن و بالای ظرف نیز با دو نوار پهن منقوش شده است. در سطح بیرونی و درون یک قاب تقریباً دایره‌ای شکل، سه نوار موازی در سه ردیف به صورت افقی ایجاد شده‌اند که حفاصل آنها با خطوط عمودی موازی پر شده است؛ این نقش سه بار تکرار شده است و هر قاب توسط نیم‌دایره‌های آویزان (زنجیرشکل) از یکدیگر جدا شده‌اند. پایه‌ها نوک تقریباً تیز دارند و به محل تلاقی بدنه به کف متصل هستند (تصویر ۱۱). ظرف شماره ۹ به دوره IIIA تعلق دارد و نمونه‌های مشابه با آن در تپه گیان از گورهای شماره ۸۶، ۹۰ تا ۹۲ و ۹۴ تا ۹۹ به مراتب به‌دست آمده است (برای نمونه بنگرید به: Contenau and Ghirshman 1935: Pl. 26, Gr. 86: 3; Pl. 27, Gr. 90: 2 & Gr. 91: 4-5; Pl. 28, Gr. 99: 2). سبک و ترکیب نقوش نمونه‌های مقایسه شده که بیشتر شامل نوارهای افقی موازی می‌شوند با ظرف مورد مطالعه اندکی متفاوت است. نمونه قابل مقایسه با این ظرف از گورهای شماره ۳، ۴ و ۸ از طبقه III تپه جمشیدی (Contenau and Ghirshman 1935: Pl. 74, Gr. 3: 8-9 & Gr. 4: 3; Pl. Pl. 76, Gr. 8: 7)، مرحله III:2 تپه گودین (Henrickson 1984: Fig. 150, Nos. 10-12)، گور شماره ۷ در تپه نورآباد (سیدسجادی و سامانی ۱۳۷۸: شکل ۲۰، شماره‌های ۶ و ۸؛ شکل ۳۳: شماره‌های ۴-۵)، مرحله 4A-C در تپه باباجان (Goff 1976: Fig. 8, Nos. 14-15) و چغاسیز (Schmidt *et al.* 1989: Pl. 100: c, d) کشف شده‌اند.

• ظرف شماره ۱۰ (شماره ثبت در موزه مقدم: ۴۵۶۷): این ظرف به شکل ساغر سه‌پایه با دهانه باز، بدنه استوانه‌ای مقعر، لبه منحنی ساده، کف محدب (نیم‌کره) است که رنگ قرمز آجری، پوشش گلی رقیق، حرارت پخت مناسب، چرخ‌ساز (دهانه و بدنه چرخ‌ساز و کف و پایه‌ها دست‌ساز و الحاقی هستند)، کیفیت ساخت نیمه‌ظریف، خمیره منسجم و پرداخت سطح مات دارد (قطر دهانه ۷٫۴ سانتیمتر، ارتفاع ۸٫۱ سانتیمتر). نقش‌مایه‌های هندسی به رنگ قهوه‌ای بر تمامی قسمت بیرونی ظرف ایجاد شده‌اند که به مرور زمان رنگ آنها تا حدودی زایل شده است. همه نقوش به شکل نوارهای افقی موازی با یکدیگر هستند که از گردن تا روی پایه‌ها کشیده شده‌اند. پایه‌ها به محل تلاقی بدنه به کف متصل هستند و نوک آنها به بیرون برگشته شده است (تصویر ۱۲). ظرف شماره ۱۰ به دوره IIIA تعلق دارد و نمونه‌های مشابه با آن در تپه گیان از گورهای ۸۵ و ۹۸ (Contenau and Ghirshman 1935: Pl. 26, Gr. 85: 3; Pl. 29, Gr. 98: 5)، مرحله III:2 تپه گودین (Henrickson 1984: Fig. 148, Nos. 2, 3) وجود دارد. گور شماره ۷ در تپه نورآباد (سیدسجادی و سامانی ۱۳۷۸: شکل ۲۰، شماره‌های ۷ و ۹؛ شکل ۳۳: شماره‌های ۱ و ۳) و

• ظرف شماره ۱۱ (شماره ثبت در موزه مقدم: ۳۵۲۸): این ظرف به شکل ساغر مینیاتوری (فنجان) با دهانه باز، لبه منحنی به بیرون برگشته، بدنه زاویه‌دار و کف ناصاف (فاقد ایستایی) است که رنگ قرمز آجری، پوشش گلی رقیق، حرارت پخت مناسب، دست‌ساز (۴)، کیفیت ساخت ظریف، خمیره منسجم و پرداخت سطح مات دارد (قطر دهانه ۴ سانتیمتر، ارتفاع ۵٫۳ سانتیمتر). نقش‌مایه‌های هندسی ساده به رنگ قهوه‌ای تیره بر دهانه و نیمه فوقانی سطح بیرونی ظرف ایجاد شده‌اند. داخل لبه با یک نوار و قسمت بالا و اصلی بدنه نیز با نوارهای باریک و پهن افقی تزئین شده که مابین دو نوار به وسیله خطوط عمودی پر شده است (تصویر ۱۳). ظرف شماره ۱۱ به دوره IIIA تعلق دارد و نمونه‌های کاملاً مشابه آن در تپه گیان از گورهای شماره ۱۰۰ و ۱۰۱ (Contenau and Ghirshman 1935: Pl. 29, Gr. 100: 5 & Gr. 101: 3) و از گور شماره ۷ از طبقه III تپه جمشیدی (Contenau and Ghirshman 1935: Pl. 75, Gr. 7: 1, 3) کشف شده است.

• ظرف شماره ۱۲ (شماره ثبت در موزه مقدم: ۴۱۶۶): این ظرف کاسه‌ای عمیق با دهانه نسبتاً باز، لبه منحنی به بیرون برگشته، بدنه زاویه‌دار (S شکل) و کف مقعر ساده است که رنگ قرمز آجری، پوشش گلی رقیق، حرارت پخت مناسب، چرخ‌ساز، کیفیت ساخت ظریف، خمیره منسجم و پرداخت سطح مات دارد (قطر دهانه ۵ سانتیمتر، قطر کف ۳ سانتیمتر، ارتفاع ۶٫۳ سانتیمتر). نقوش هندسی به رنگ قرمز متمایل به قهوه‌ای بر دهانه و نیمه فوقانی سطح بیرونی ظرف ایجاد شده‌اند. داخل لبه با یک نوار و بخش اصلی و پایینی بدنه ظرف نیز با نوارهای باریک افقی تزئین شده که مابین نوارها با خطوط مواج افقی پر شده است (تصویر ۱۴). ظرف شماره ۱۲ به دوره IIIA تعلق دارد و نمونه‌های مشابه آن از گورهای ۹۰، ۹۱ و ۹۴ (Contenau and Ghirshman 1935: Pl. 27, Gr. 90: 5 & Gr. 91: 2; Pl. 28. Gr. 94: 8) به‌دست آمده است. نمونه ظروف گور شماره ۳ از طبقه III تپه جمشیدی (Contenau and Ghirshman 1935: Pl. 74, Gr. 3: 3)، مرحله III:2 در گودین تپه (Henrickson 1984: Fig. 147, Nos. 15-16)، لایه ۲ از گمانه ۳ در تپه نورآباد (سیدسجادی و سامانی ۱۳۷۸: شکل ۱۳، شماره ۷) و تپه مرکزی باباجان (Goff 1976: Fig. 11, No. 1) با این ظرف قابل مقایسه هستند.

• ظرف شماره ۱۳ (شماره ثبت در موزه مقدم: ۴۵۶۶): این ظرف فنجان دسته‌دار با دهانه باز، لبه منحنی ساده، گردن استوانه‌ای مقعر، زاویه‌ای در محل اتصال گردن به بدنه، یک دسته که به لبه و میانه ظرف نصب شده، بدنه مستقیم که با یک انحنا به قاعده می‌رسد و کف ناصاف (فاقد ایستایی) است که رنگ نخودی، پوشش گلی رقیق، حرارت پخت مناسب، چرخ‌ساز، کیفیت ساخت ظریف، خمیره منسجم و پرداخت سطح مات دارد (قطر دهانه ۶٫۱ سانتیمتر، ارتفاع ۹ سانتیمتر). نقش‌مایه‌های هندسی با ساختار ترکیبی به رنگ قهوه‌ای بر نیمه فوقانی سطح بیرونی و دسته ظرف ایجاد شده‌اند. داخل و بیرون دهانه ظرف با یک نوار پهن منقوش شده و قسمت گردن و میانه بدنه ظرف با نوارهای افقی پهن تزئین شده که حفاصل آنها با خطوط عمودی موازی پر شده است (تصویر ۱۵). ظرف شماره ۱۳ به دوره IIIA تعلق دارد و نمونه‌های مشابه آن از گورهای ۸۵، ۹۲، ۹۷ و ۱۰۰ (Contenau and Ghirshman 1935: Pl. 26, Gr. 85: 8; Pl. 27, Gr. 92: 8; Pl. 29, Gr. 97: 2 & Gr. 100: 3) به‌دست آمده‌اند. نمونه‌های قابل‌مقایسه با این ظرف از گور شماره ۳ از طبقه III تپه جمشیدی (Contenau and Ghirshman 1935: Pl. 74, Gr. 3: 3)، مرحله III:2 در گودین تپه (Henrickson 1984: Fig. 154, No. 2 & Fig. 157, No. 9)، گور شماره ۳ در تپه نورآباد (سیدسجادی و سامانی ۱۳۷۸: شکل ۱۹، شماره ۴؛ شکل ۳۳: شماره ۶) و مرحله ۵ در تپه باباجان (Goff 1976: Fig. 10, No. 11) شناسایی شده‌اند.



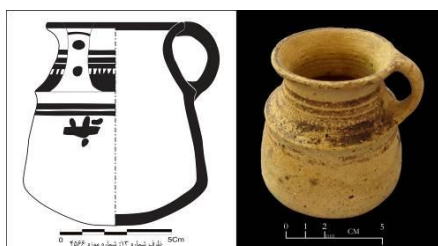
تصویر ۱۱. ظرف شماره ۹ (موزه مقدم دانشگاه تهران)



تصویر ۱۳. ظرف شماره ۱۱ (موزه مقدم دانشگاه تهران)



تصویر ۱۲. ظرف شماره ۱۰ (موزه مقدم دانشگاه تهران)



تصویر ۱۵. ظرف شماره ۱۳ (موزه مقدم دانشگاه تهران)

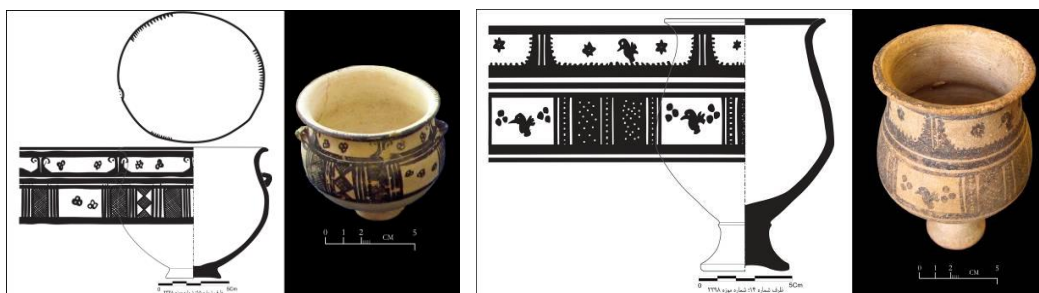


تصویر ۱۴. ظرف شماره ۱۲ (موزه مقدم دانشگاه تهران)

طبقه II: پنج ظرف سفالین (ظروف شماره ۱۴ تا ۱۸) از نوع نخودی منقوش برای این طبقه هستند. طبقه IIA و IIB از منظر گاهنگاری به عصر مفرغ متأخر و بازه زمانی ۱۶۰۰ تا ۱۴۰۰ پ.م تعلق دارد. ظروف شماره ۱۴ و ۱۵ به طبقه IIB و ظروف شماره ۱۶ تا ۱۸ به دوره IIA-B مربوط هستند:

• ظرف شماره ۱۴ (شماره ثبت در موزه مقدم: ۲۲۹۸): این ظرف به شکل ساغر پایه‌دار با دهانه باز، لبه منحنی به بیرون برگشته، بدنه محدب (S شکل) و قاعده مقعر در پایه است که رنگ نخودی، پوشش گلی رقیق، حرارت پخت مناسب، چرخ‌ساز (پایه دست‌ساز الحاقی به صورت توپر)، کیفیت ساخت ظریف، خمیره منسجم و پرداخت سطح مات است (قطر دهانه ۸٫۵، قطر کف ۴٫۵ و ارتفاع ۱۳٫۱ سانتیمتر). سطح بیرونی ظرف به سبک استیلایزه با ساختار ترکیبی از نقش مایه‌های جانوری و هندسی با رنگ قهوه‌ای تیره تزئین شده است. درون قاب‌هایی که از به هم پیوستن نوارهای افقی و نقوش حصیری عمودی و نردبانی در شانه و بدنه ظرف ایجاد شده، پرندگانی در حال پرواز به تصویر کشیده شده‌اند که در قاب بالایی در جلو و پشت هر پرند یک گردونه خورشید قرار دارد. در قاب پایینی نیز در مقابل و پشت پرند، سه دایره توپر نقش شده است. این پرندگان دارای نوک بلند، دم سه‌پر و اندام چاق هستند که حالت پرواز را به جهت چپ نشان می‌دهند (تصویر ۱۶). ظرف شماره ۱۴ به دوره IIB تعلق دارد و نمونه‌های کاملاً مشابه آن در گورهای ۶۴ و ۶۵ (Contentau and Ghirshman 1935: Pl. 21, Gr. 64: 1-2 & Gr. 65: 8, 10) وجود دارند. در گور شماره ۲ از طبقه II تپه جمشیدی نمونه‌های مشابه با این ظرف

از نظر موضوع و نقش‌مایه وجود دارد (Contenau and Ghirshman 1935: Pl. 73, Gr. 2: 2, 4) و از مرحله فرا III:2 در تپه گودین نمونه‌های مشابه با این ظرف کشف شده‌اند (Henrickson 1984: Fig. 158, Nos. 1, 5).



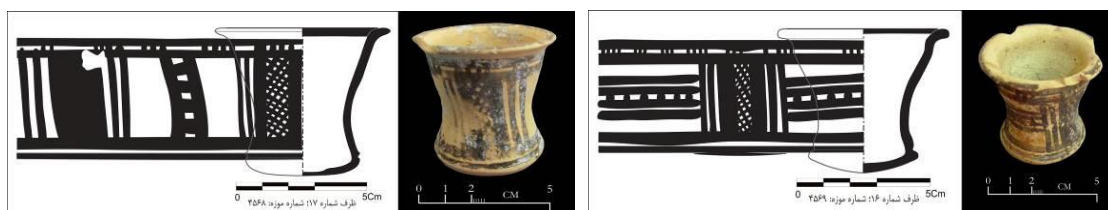
تصویر ۱۶. ظرف شماره ۱۴ (موزه مقدم دانشگاه تهران) تصویر ۱۷. ظرف شماره ۱۵ (موزه مقدم دانشگاه تهران)

• ظرف شماره ۱۵ (شماره ثبت در موزه مقدم: ۲۳۲۸): این ظرف به شکل کاسه پایه‌دار با دهانه باز و دو دسته توپُر در طرفین، لبه منحنی به بیرون برگشته، بدنه محدب (S شکل) و قاعده تخت در پایه است که رنگ نخودی، پوشش گلی رقیق، حرارت پخت مناسب، چرخ‌ساز (پایه و دسته با تکنیک دست‌ساز الحاقی)، کیفیت ساخت ظریف، خمیره منسجم و پرداخت سطح مات دارد (قطر دهانه ۱۰، قطر کف ۳٫۸ و ارتفاع ۹٫۲ سانتیمتر). داخل لبه و نیمه فوقانی سطح بیرونی ظرف با ساختار ترکیبی از نقش‌مایه‌های هندسی به رنگ قهوه‌ای تیره تزئین شده است. نقوش شامل نوارهای افقی و عمودی، لوزی‌هایی با هاشور متقاطع، نقوش حصیری، دواير چسبیده به یکدیگر و نقوش احتمالاً مسبک گیاهی^(۴) می‌شوند که با یکدیگر درون قاب‌های تزئینی ترکیب شده‌اند. همچنین روی دسته‌های کوچک ظرف نیز لکه‌های تیره‌ای نقش شده است (تصویر ۱۷). ظرف شماره ۱۵ به دوره IIB تعلق دارد و نمونه‌های کاملاً مشابه آن از گورهای شماره ۶۵ و ۷۹ (Contenau and Ghirshman 1935: Pl. 21, Gr. 65: 6-7; Pl. 24, Gr. 79: 3) به‌دست آمده‌اند. همچنین با ظروف کشف شده در گور شماره ۱ از طبقه II تپه جمشیدی (Contenau and Ghirshman 1935: Pl. 73, Gr. 1: 2) و مرحله فرا III:2 در تپه گودین مشابهت دارد (Henrickson 1984: Fig. 159, Nos. 1, 4).

• ظرف شماره ۱۶ (شماره ثبت در موزه مقدم: ۴۵۶۹): این ظرف به شکل یک آبخوری کوچک (استکان) با دهانه باز، بدنه استوانه‌ای شکل مقعر، لبه منحنی به بیرون برگشته و کف ناصاف (فاقد ایستایی) است که رنگ نخودی، پوشش گلی رقیق، حرارت پخت مناسب، چرخ‌ساز، کیفیت ساخت ظریف، خمیره منسجم و پرداخت سطح مات دارد (قطر دهانه ۵٫۷ سانتیمتر، ارتفاع ۵٫۱ سانتیمتر). داخل لبه و تمامی سطح بیرونی ظرف با نقش‌مایه‌های هندسی به رنگ قهوه‌ای تیره تزئین شده است. نقوش شامل نوارهای افقی و عمودی و قاب مستطیل‌شکل که با هاشورهای متقاطع پر شده هستند. در محل اتصال بدنه به کف، شیاری نسبتاً عمیق وجود دارد که داخل آن باندی افقی ایجاد شده است (تصویر ۱۸). این ظرف به طبقه IIA-B تعلق دارد و از لحاظ شکل در تپه گیان مشابه با نمونه به‌دست‌آمده از گور شماره ۷۵ (Contenau and Ghirshman 1935: Pl. 3, Gr. 75: 3) است و با نمونه‌ای در مرحله گودین فرا III:2 (Henrickson 1984: Fig. 162, No. 1)، گور شماره ۲ در طبقه II در تپه جمشیدی (Contenau and Ghirshman 1935: Pl. 73, Gr. 2: 5-6)، تپه مرکزی تپه باباجان (Goff 1976: Fig. 11, Nos. 7) و کموتران II (Schmidt et al. 1989: Pl. 94: m) قابل مقایسه است.

• ظرف شماره ۱۷ (شماره ثبت در موزه مقدم: ۴۵۶۸): این ظرف یک آبخوری کوچک (استکان) با دهانه باز، بدنه استوانه‌ای شکل مقعر، لبه منحنی به بیرون برگشته و کف ناصاف (محدب) است که رنگ نخودی، پوشش گلی

رقيق، حرارت پخت مناسب، چرخ‌ساز، كيفيت ساخت ظريف، خميره منسجم و پرداخت مات دارد (قطر دهانه ۵,۹ سانتيمتر، ارتفاع ۵,۶ سانتيمتر). داخل لبه و تمامي سطح بيروني با تركيبي از نقش‌مايه‌هاي هندسي به رنگ قهوه‌اي تيره تزئين شده است. نقوش شامل نوارهاي افقي و عمودي و قاب مستطيل‌شكل هستند كه با هاشورهاي متقاطع پر شده‌اند. در محل اتصال بدنه به كف، يك شيار وجود دارد (تصوير ۱۹). اين ظرف به طبقه IIA-B تعلق دارد و قابل مقايسه با ظرف شماره ۱۶ در مجموعه مورد مطالعه است (Contenau and Ghirshman 1935: Pl. 3, Gr. 75: 3 & Pl. 73, Gr. 2: 5-6; Henrickson 1984: Fig. 162, No. 1).



تصویر ۱۸. ظرف شماره ۱۶ (موزه مقدم دانشگاه تهران) تصویر ۱۹. ظرف شماره ۱۷ (موزه مقدم دانشگاه تهران)

• ظرف شماره ۱۸ (شماره ثبت در موزه مقدم: ۴۴۱۷): اين ظرف به شكل يك خمره كوچك با دهانه بسته، بدنه مستقيم زاويه‌دار، لبه منحنی به بیرون برگشته و كف مقعر است كه رنگ نخودی، پوشش گلی رقيق، حرارت پخت مناسب، چرخ‌ساز، كيفيت ساخت متوسط، خميره منسجم و پرداخت سطح مات دارد (قطر دهانه ۷,۱ سانتيمتر، قطر كف ۶ سانتيمتر، ارتفاع ۱۱ سانتيمتر). داخل لبه و نيمه بالايي ظرف با نوارهاي افقي موازي ساده به رنگ قهوه‌اي روشن تزئين شده است. دهانه اين ظرف اندكي به شكل بيضي است. در محل اتصال گردن به بدنه و نيمه مركزي ظرف يك زاويه ايجاد شده است (تصوير ۲۰). اين ظرف به طبقه IIA-B تعلق دارد و نمونه‌هاي قابل مقايسه با آن از لحاظ شكل در تپه گیان از گور شماره ۷۳ و ۷۹ (Contenau and Ghirshman 1935: Pl. 23, Gr. 73: 6 & Pl. 24, Gr. 79: 4-5; واندنبرگ ۱۳۴۵: لوحه ۱۲) به‌دست آمده است.

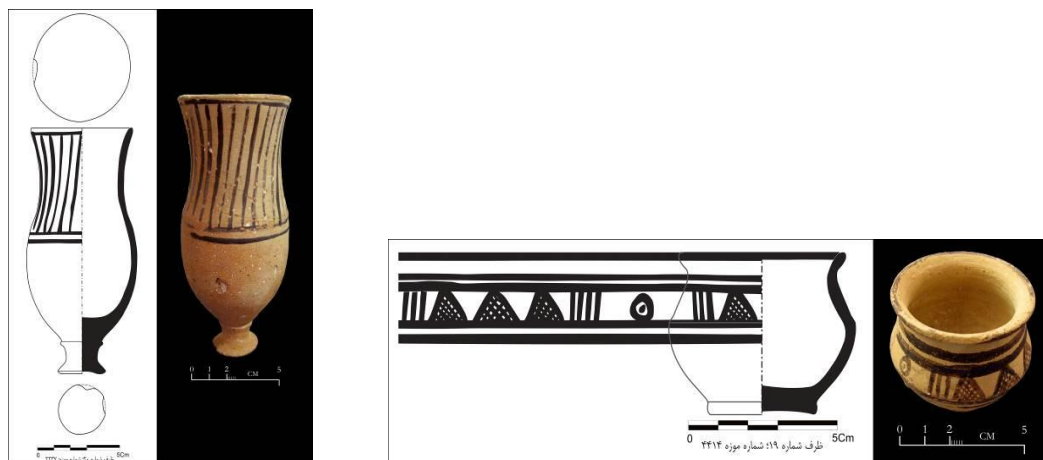


تصویر ۲۰. ظرف شماره ۱۸ (موزه مقدم دانشگاه تهران)

طبقه I: دو ظرف سفالین (ظروف شماره ۱۹ و ۲۰) مربوط به این طبقه می‌شوند. جالب‌توجه است كه نمونه‌هاي مشابه ظروف مورد بررسی، از گورهايي در طبقه I به‌دست آمده‌اند كه به دوره گذر از عصر مفرغ به آهن شهرت دارد و تاريخ ۱۴۰۰ تا ۱۲۰۰ پ.م برای آنها ارائه شده است. اين گورها توسط يانگ با عنوان دوره "II-I" نام‌گذاري شده و يافته‌هاي آنها با گورهاي طبقه IIC همپوشاني فرهنگي و زماني دارند. با وجود اينكه اين ظروف مشخصاً مربوط به طبقه I هستند، در اين نوشتار به منظور ارائه گاهنگاري صحيح، با عنوان دوره II-I معرفي می‌شوند. همان‌طور كه مشخص است، هيچ ظرفي از عصر آهن در مجموعه وجود ندارد.

• ظرف شمار ۱۹ (شمار ثبت در موزم مقدم: ۴۴۱۴): این ظرف به شکل کاسه پایه‌دار مینیاتوری با دهانه باز، لبه منحنی ساده، بدنه زاویه‌دار و قاعده مقعر در پایه است که رنگ نخودی، پوشش گلی رقیق، حرارت پخت مناسب، چرخ‌ساز (پایه دست‌ساز)، کیفیت ساخت ظریف، خمیره منسجم و پرداخت سطح مات دارد (قطر دهانه ۵,۳ سانتیمتر، قطر کف ۳,۵ سانتیمتر، ارتفاع ۵ سانتیمتر). داخل لبه و نیمه فوقانی سطح بیرونی ظرف با ساختار ترکیبی از نقش‌مایه‌های هندسی به رنگ قهوه‌ای تیره تزئین شده است. نقوش شامل نوارهای افقی پهن روی گردن و بدنه ظرف می‌شوند که مابین آنها با نوارهای عمودی، مثلث‌هایی با هاشور متقاطع و دایره‌های تو خالی که درون آنها یک دایره تو پر قرار دارد، پر شده‌اند (تصویر ۲۱). نمونه‌های مشابه - به‌ویژه از لحاظ شکل و ترکیب نقوش - از طبقه I تپه گیان از گورهای شماره ۶۱ و ۶۳ (Contentau and Ghirshman 1935: Pl. 20, Gr. 60: 6; Gr. 63: 1) و از طبقه II از گور شماره ۶۶ (Contentau and Ghirshman 1935: Pl. 21, Gr. 66: 5) به‌دست آمده که البته نمونه مورد مطالعه فاقد دسته می‌باشد و ساختار نقوش آن نیز اندکی متفاوت است.

• ظرف شماره ۲۰ (شماره ثبت در موزه مقدم: ۲۳۲۷): این ظرف ساغری پایه‌دار با دهانه باز، لبه منحنی ساده، بدنه مقعر (S شکل) و قاعده مقعر است که رنگ قرمز آجری، پوشش گلی رقیق، حرارت پخت مناسب، چرخ‌ساز، کیفیت ساخت ظریف و پرداخت سطح مات دارد (قطر دهانه ۶ سانتیمتر، قطر کف ۲,۸ سانتیمتر، ارتفاع ۱۳,۷ سانتیمتر). نیمه فوقانی سطح بیرونی ظرف با ترکیب نقوش هندسی به رنگ قهوه‌ای تیره تزئین شده است. در لبه و نیمه بالایی ظرف باندهای افقی قرار گرفته‌اند که مابین آنها با نوارهای افقی عمودی موازی که گهگاه پیچ خورده‌اند، منقوش شده است (تصویر ۲۲). نمونه‌های کاملاً مشابه به آن از طبقه I تپه گیان از گورهای شماره ۶۰ و ۶۲ (Contentau and Ghirshman 1935: Pl. 20, Gr. 60: 1 & Gr. 62: 5) به‌دست آمده‌اند.



تصویر ۲۱. ظرف شماره ۱۹ (موزه مقدم دانشگاه تهران) تصویر ۲۲. ظرف شماره ۲۰ (موزه مقدم دانشگاه تهران)

۵. نتیجه

همان‌طور که بحث شد، کاوش‌های انجام‌شده در تپه گیان نه‌اند همواره دشواری‌هایی را در مطالعات باستان‌شناسی این محوطه پیش‌رو قرار می‌دهد. در هر صورت، بهره‌گیری از گاهنگاری و اطلاعات دقیق دیگر محوطه‌های باستانی که با روش‌های علمی کارآمدتری کاوش شده‌اند، این نقصان را تا حدودی جبران می‌نماید. آنچه حائز اهمیت است اینکه مهم‌ترین یافته‌ها برای انجام و بازشناسی گاهنگاری تپه گیان، سفال‌ها هستند. در این نوشتار سعی شد که گاهنگاری دقیق ظروف سفالین بر اساس طبقات فرهنگی معرفی شده برای آنها و مقایسه با دیگر محوطه‌های باستانی منطقه ارائه شود. از میان ۲۰ عدد ظرف سفالین سالم که در

موزه مقدم دانشگاه تهران نگهداری می‌شوند، هشت عدد مربوط به طبقه IV، پنج عدد مربوط به طبقه III، چهار عدد مربوط به طبقه II و دو عدد مربوط به طبقه I می‌شوند. از منظر فرهنگی، این چهار طبقه مربوط به عصر مفرغ میانی و متأخر و عصر آهن هستند که البته آثار دوره آهن در این مجموعه وجود نداشت و نمونه‌های طبقه I فقط به دوره گذار از عصر مفرغ به آهن تعلق دارند.

ظروف سفالین طبقه IV همگی از گونه نخودی منقوش هستند و از لحاظ شکل شامل دو فرم غالب خمره‌ها و تنگ‌ها می‌شوند. خمره‌ها عموماً دهانه‌باز هستند و با توجه به ابعاد بزرگ آنها، نقوش پرندگان بزرگ روی آنها نقش شده است. تنگ‌ها عموماً در ابعاد کوچک هستند که ارتفاع آنها از ۷ سانتیمتر تجاوز نمی‌کند. نقوش ایجاد شده بر روی آنها معمولاً به صورت هندسی و در نیمه فوقانی ظرف هستند. بدنه تنگ‌ها به وسیله یک برجستگی که زاویه تندی را ایجاد می‌کند، به گردن ظرف متصل می‌شود. نوارهای افقی و عمودی را می‌توان به عنوان نقوش رایج که مکرراً نقش شده‌اند معرفی کرد و نقوش مثلث‌ها، لوزی‌ها و جانوران، نقوش خاصی هستند که کمتر استفاده شده‌اند. در دوره III ظروف قرمز آجری رایج می‌شوند. از لحاظ شکل‌شناسی نیز، تنگ‌ها و کاسه‌ها مشابه مرحله قبل تداوم می‌یابند و در کنار آنها ظروف (ساگرهای) سه‌پایه نیز تولید می‌شود. نکته جالب توجه اینکه نقوش حیوانی (پرندگان) در این دوره دیده نمی‌شوند و بیشتر سفال‌ها با نقوش هندسی شامل نوارهای موازی افقی و عمودی، خطوط مواج و گاه زیگزاگ‌ها تزئین شده‌اند. در دوره II ظروف مجدداً از قرمز آجری به نخودی تغییر رنگ می‌دهند. شکل رایج در این دوره ساگرها و کاسه‌های پایه‌دار هستند که با نقوش هندسی متنوع و نقوش پرندگان و گیاهان تزئین شده‌اند. از جمله نقوش رایج در این دوره می‌توان به پرندگان چاق که در حالت پرواز هستند اشاره کرد. همچنین در کنار نقوش خطی که در دوره‌های پیشین رواج بیشتری داشت، گردونه خورشید، دواپر توپر، نقوش مثلث‌های با هاشور متقاطع، نقوش حصیری و نردبانی نیز کاربرد دارند. بررسی چرایی و چگونگی تغییراتی که به اجمال به آنها اشاره شد می‌تواند اطلاعات ارزشمندی در باره سازمان اجتماعی و فرهنگی در توالی دوره‌ای تپه گیان را حاصل کند.

دوره‌های مورد مطالعه در این نوشتار محدوده زمانی اواخر هزاره سوم و کل هزاره دوم پ.م را شامل می‌شوند. عصر مفرغ در حفاصل دوره روستانشینی و سپس شکل‌گیری اولین دولت‌ها در هزاره اول پ.م قرار دارد؛ از این رو، پیشرفت‌ها و ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی این دوره به عنوان برآیند تحولات پیشین و بستر تحولات پسین می‌بایست بیشتر مورد توجه قرار گیرند. این دوره در ادبیات باستان‌شناسی با عنوان شهرنشینی شناخته می‌شود که البته تحولات فرهنگی این دوره در همه فلات ایران به یک میزان و همسان نیست و به همین سبب از اصطلاح عصر مفرغ نیز برای توضیح و تفسیر پدیده‌های فرهنگی این دوره استفاده می‌شود. بررسی و مقایسه ویژگی سفال‌های طبقات مختلف گیان نشان می‌دهد که با وجود ارتباط تنگاتنگ فرهنگی در مناطق مختلف زاگرس مرکزی، برخی از شاخصه‌های بومی در دشت نهاوند وجود داشته است. پراکنش و تشابه سفال‌های گیان IV تا II در منطقه، بیانگر یکپارچگی فرهنگی و افزایش برهم‌کنش‌های سیاسی در زاگرس مرکزی و همچنین مناطق همجوار در دوره مفرغ میانی و متأخر است. چنین یکپارچگی فرهنگی در یک ناحیه وسیع در عصر مفرغ شاید بیانگر به وجود آمدن واحدهای سیاسی مشترک در منطقه باشد که بررسی آن، پژوهشی جدای از نوشتار حاضر را طلب می‌کند. البته نباید ارتباط زاگرس مرکزی را با نواحی پست و خاصه دشت شوشان نادیده گرفت؛ زیرا همزمان با دوره مورد بحث، سلسله‌های حکومتی ایلام حضور و قدرت

داشته‌اند و ارتباط میان این مناطق به راحتی از طریق مسیرهای مواصلاتی امکان‌پذیر بوده است و تشابه بین سفال گیان IV و شوش D همواره مطرح است.

در پایان امید است، معرفی مجموعه ظروف سفالین تپه گیان که در موزه مقدم دانشگاه تهران نگهداری و حفاظت می‌شوند، شناخت باستان‌شناسی دقیق‌تری نسبت به این محوطه مهم به‌دست دهد. مطالعه مجموعه‌های موزه‌ای با توجه به اینکه مرحله کاوش آنها گذشته است و دیگر نیازمند صرف هزینه و زمان برای بیرون کشیدن آثار از دل خاک نیستند، همواره می‌تواند در پیشبرد اهداف باستان‌شناسی کمک شایانی نماید. در واقع، چنین مطالعاتی مزایای متقابل و دو سویه هم برای مجموعه آثار فرهنگی و هم برای پژوهشگر دارد که برقراری ارتباط میان دانشگاه و موزه یکی از راه‌های دسترسی به آنها است. مجموعه گیان نمونه کوچک و مشتی است از خروار آثار و یافته‌های محوطه‌های باستانی از دوره‌ها و مناطق مختلف ایران که در موزه‌ها نگهداری می‌شوند و نیازمند انجام پژوهش علمی هستند.

پی‌نوشت

۱. شکل ظروف با استفاده از تعاریف رایج و احتساب ابعاد آنها تعیین شده است: «خمیره‌ها» عموماً دارای گردن کوتاه، لبه به بیرون برگشته و یک زاویه یا برجستگی ملموس در شانه هستند و در آنها قطر دهانه دو سوم بیشترین قطر و ارتفاع ظرف از بیشترین قطر بزرگتر است. «کاسه» در انواع نیم‌کروی، بدنه زاویه‌دار و پایه‌دار است که قطر دهانه با بیشترین قطر ظرف مساوی و ارتفاع از بیشترین قطر کمتر باشد. «تنگ» عموماً دارای زاویه در بدنه، به شکل کیف (bag-shaped) با برجستگی شانه است که قطر دهانه از دو سوم بیشترین قطر بزرگتر و ارتفاع مساوی با بیشترین قطر باشد. «کوزه» که قطر دهانه آن کوچکتر از بیشترین قطر بدنه و ارتفاع بزرگتر یا برابر با بیشترین قطر است. «ساغر» که شامل انواع آبخوری، پیاله، فنجان، جام، لیوان و استکان می‌شود و قطر دهانه آن برابر یا بزرگتر از ارتفاع و برابر با بیشترین قطر باشد و در برخی از نمونه‌ها دارای یک یا دو دسته است. اشکالی نظیر کاسه، ساغر، جام و بشقاب که سه پایه داشته باشند در گروه «ظروف سه‌پایه» قرار می‌گیرند.

تشکر و قدردانی

از آقای دکتر حسن طلایی برای پیشنهاد مطالعه مجموعه ظروف سفالین تپه گیان، راهنمایی‌های ایشان در مورد گاهنگاری و گونه‌شناسی ظروف، معرفی منابع مرتبط با بحث و همچنین مطالعه متن مقاله و پیشنهاد نکته‌های سودمند و سازنده بسیار تشکر می‌نمایم. از معاونت موزه‌های دانشگاه تهران آقای دکتر مصطفی ده‌پهلوان و سرپرست بخش اداری موزه مقدم دانشگاه تهران آقای مسلم جعفری‌زاده برای ارائه مجوز و همکاری لازم برای مطالعه مجموعه بی‌نهایت سپاسگزارم. از امین اموال محترم موزه مقدم آقای علیرضا احمدنیا که ضمن رعایت مسائل حفاظتی با گشاده‌رویی تمامی مجموعه را جهت انجام طراحی فنی و عکس‌برداری در محل موزه در اختیار بنده قرار دادند و همچنین مسئول کتابخانه و روابط عمومی موزه مقدم خانم مهتا شیخی و مسئول بخش مرمت آن موزه خانم زینب حقی‌مقدم برای همکاری و قرار دادن امکانات لازم حین مطالعه مجموعه صمیمانه قدردانی می‌نمایم.

منابع

- جلالوند، گودرز (۱۳۷۶)، «بررسی آبوهوای منطقه نهاوند»، مجموعه مقالات / اولین همایش نهان‌شناسی (۲)، گردآورنده اسماعیل شهبازی، تهران، مؤسسه فرهنگی علمیرادیان، ۱۶-۱۲.
- حیدریان، محمود (۱۳۹۲)، «تحلیل نقش عوامل طبیعی در توزیع فضایی استقرارهای پیش از تاریخی دشت سنقر»، پژوهش‌های باستان‌شناسی / ایران، شماره ۴، دوره سوم، ۱۳۹-۱۵۲.
- خاکسار، علی (۱۳۹۱)، «گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه تپه باستانی گیان، نهاوند»، چکیده مقاله‌های یازدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی / ایران، تهران، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور، ۱۵۹.
- شایان، سیاوش (۱۳۷۶)، «بستر طبیعی نهاوند و تحولات آن طی دوران‌های زمین‌شناسی»، مجموعه مقالات / اولین همایش نهان‌شناسی (۲)، گردآورنده اسماعیل شهبازی، تهران، مؤسسه فرهنگی علمیرادیان، ۲۳-۱۷.

سیدسجادی، سیدمنصور و نوروزعلی سامانی (۱۳۷۸)، «گزارش یک فصل کاوش در تپه نورآباد، لرستان»، *باستان‌شناسی و هنر ایران* (۳۲) مقاله در بزرگداشت عزت‌الله نگهبان، به کوشش عباس علیزاده، یوسف مجیدزاده و صادق ملک شه‌میرزادی، تهران، نشر دانشگاهی، ۸۵-۱۳۰.

کیانی، علی‌شیر (۱۳۷۹)، «سیمای جنگل طبیعی سراب گیان نهاوند»، *فرهنگان*، ش. ۴، ۷۸-۱۰۳.

طلایی، حسن (۱۳۸۱)، *باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

_____ (۱۳۸۵)، *عصر مفرغ ایران*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

_____ (۱۳۸۶)، *باستان‌شناسی و هنر ایران در هزاره اول قبل از میلاد*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

_____ (۱۳۸۷)، *عصر آهن ایران*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

_____ (۱۳۹۰)، *ایران پیش از تاریخ: عصر مس‌سنگی*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

طلایی، حسن؛ احمد چاپچی امیرخیز؛ محمدرضا سعیدی هرسینی (۱۳۸۵)، «گزارش مقدماتی بررسی الگوهای استقرار عصر مفرغ دشت نهاوند (سرچشمه گاماسیاب)»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، دوره ۵۷، ش. ۵، ۴۷-۶۵.

مترجم، عباس و کمال‌الدین نیکنامی (۱۳۹۰)، «عصر مفرغ قدیم در شرق زاگرس مرکزی - ایران»، *مطالعات باستان‌شناسی*، دوره ۳، ش. ۲، شماره پیاپی ۴، ۳۵-۵۴.

مترجم، عباس و طحیه الماسی (۱۳۹۲)، «بررسی تغییرات فرهنگی دشت کنگاور از دوره مس‌سنگ تا پایان عصر مفرغ بر اساس مدل‌های استقرار»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، ش. ۵، دوره سوم، ۵۱-۶۲.

ملک‌زاده، مهرداد (۱۳۸۳)، «تپه گیان و کاوش مجدد»، *فرهنگان*، سال پنجم، ش. ۱۹، ۱۷۳-۱۸۰.

ملک‌شه‌میرزادی، صادق (۱۳۷۴)، «گاهنگاری پیش از تاریخ فلات مرکزی ایران: از دوران نوسنگی تا آغاز شهرنشینی»، *باستان‌شناسی و تاریخ*، سال نهم، ش. دوم، شماره پیاپی ۱۸، ۲-۱۸.

_____ (۱۳۷۸)، *ایران در پیش از تاریخ: باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده‌دم شهرنشینی*، چ اول، تهران، معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور.

موسوی کوهر، سیدمهدی و محمود حیدریان (۱۳۸۷)، «بررسی فراگیر باستان‌شناسی دشت سنقر»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، دوره ۵۹، ش. ۳-۱۸۵، ۱۹۳-۲۱۴.

میرقادری، محمدامین؛ سیده پرستو حسینی؛ سجاد علی‌بیگی؛ میثم نیکزاد (۱۳۹۲)، «تحلیل الگوهای استقرار عصر مفرغ میانی و جدید دشت سرفیروزآباد در جنوب کرمانشاه، غرب زاگرس مرکزی»، *مطالعات باستان‌شناسی*، دوره ۵، ش. ۱، ۱۲۷-۱۴۴.

نگهبان، عزت‌الله (۱۳۷۶)، *مروزی بر پنج‌جاه سال باستان‌شناسی ایران*، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.

نیکنامی، کمال‌الدین (۱۳۸۸)، *گزارش بررسی باستان‌شناختی دهستان سرفیروزآباد، آرشو سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمانشاه (منتشر نشده)*.

_____؛ حمید خطیب‌شهیدی؛ محمدرضا سعیدی هرسینی (۱۳۸۶)، «تئوری‌ها و تکنیک‌های مدل‌سازی پیش‌بینی (تخمین) مکان‌ها و پراکنش‌های سایت‌های پیش از تاریخی در پهن‌دشت‌های باستان‌شناختی با کاربرد GIS و رگرسیون لجستیک، مطالعه موردی: حوضه رودخانه گاماسب زاگرس مرکزی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، دوره ۵۸، ش. ۵، ۱۹۳-۲۱۱.

واندنب‌برگ، لویی (۱۳۴۵)، *باستان‌شناسی ایران باستان*، ترجمه عیسی بهنام، تهران، دانشگاه تهران.

Braidwood, R. J., 1961. "The Iranian prehistoric project", *Iranica Antiqua* 1: 3-7.

Braidwood, R. J. et al., 1961. "The Iranian prehistoric project", *Science* 133, No. 3469: 2008-2010.

Contenau, G. and R. Ghirshman, 1935. *Fouilles du Tepe-Giyan pre de Nehavend 1931 et 1932*, Paris: Librairie Orientaliste Paul Geuthner.

Dyson, R. H., Jr, 1965. "Problems in the relative chronology of Iran, 6000-2000 B.C", in: R. Ehrich (ed.), *Chronology in old world archaeology*, Chicago, University of Chicago press: 215-256.

_____, 1973. "The archaeological evidence of the second millennium B.C. on the Persian Plateau", in: R. H. Dyson (ed.), *The Cambridge Ancient History*, Vol. II, part 1: The Middle East and the Aegean Region, c.1800-1380 BC, Chapter XVI: 686-715.

Edwards, M. R., 1981. "Pottery of Haftavan VIB (Urmia Ware)", *Iran* 19: 101-140.

- Goff, C., 1966. *New evidence of cultural development in Luristan in the late second and early first millennia B.C.* PhD Thesis, University of London.
- _____, 1968. "Lūristān in the first half of the first millennium B.C.: a preliminary report on the First season's excavations at Bābā Jān, and associated surveys in the eastern Pīsh-i-Kūh", *Iran* 6: 105-134.
- _____, 1971. "Luristan before the Iron Age", *Iran* 9: 131-152.
- _____, 1976. "Excavations at Baba Jan: the Bronze Age occupation", *Iran* 14: 19-40.
- Haerincx, E. and B. Overlaet, 2006. *Bani Surmah: an early Bronze Age graveyard in Pusht-i Kuh, Luristan*, Luristan excavation documents VI, Acta Iranica 43, Leuven.
- _____, 2008. *The Kalleh Nisar Bronze Age graveyard in Pusht-i Kuh, Luristan*. Luristan excavation documents VII, Acta Iranica 46, Leuven.
- Hemati Azandaryani, E. and A. Khaksar, 2013. "A newly-found diagnostic Bronze-Age burial from Tapeh Giyan, Nahavand, Iran", *Archaeology* 2 (3): 47-51.
- Henrickson, Robert, C., 1983. "Giyān II and I reconsidered", *Mesopotamia* 18-19: 195-220.
- _____, 1984. *Godin Tepe, Godin III, and central western Iran, ca. 2600-1400 B.C.* PhD Thesis, Department of Near Eastern Studies, University of Toronto.
- _____, 1985. "The chronology of central western Iran 2600-1400 B.C.", *American Journal of Archaeology* 89 (4): 569-581.
- _____, 1986. "A regional perspective on Godin III: cultural development in central western Iran", *Iran* 24: 1-55.
- _____, 2011. "The Godin period III town", in: H. Gopnik & M. S. Rothman (eds.), *On the high road: the history of Godin Tepe, Iran*, Bibliotheca Iranica, Archaeology, Art and Architecture Series, No. 1, Royal Ontario Museum: 209-284.
- Herzfeld, E., 1929. "Bericht über archaologische beobachtungen im Südlichen Kurdistan und im Luristan", *AMI* 1: 65-73.
- McCown, D., 1942. *The comparative stratigraphy of Iran*, Studies in Ancient Oriental Civilization, No. 23, Oriental Institute Publications, University of Chicago.
- Meldgaard, J. et al., (1964). "Excavations at Tepe Guran, Luristan", *Acta Archaeologica*, 34: 97-133.
- Schmidt, E. F. et al., 1989. *The Holmes expedition to Luristan*. Oriental Institute Publications 108, University of Chicago.
- Thrane, H., 1965. "Archaeological investigations in western Luristan", *Acta Archaeologica* 35: 153-169.
- _____, 2001. *Excavations at Tepe Guran in Luristan: The Bronze Age and Iron Age periods*. Jutland Archaeological Society Publications, Vol. 38.
- Vanden Berghe, L., 1979a. "La construction des tombes au Pusht-I Kuh, Luristan au 3e Millenaire Avant J.-C.", *Iranica Antiqua* 14: 39-50.
- _____, 1979b. "La necropole de Mir Khair au Pusht-I Kuh, Luristan", *Iranica Antiqua* 14: 1-37.
- Young, T. C. Jr, 1965. "A comparative ceramic chronology for western Iran, 1500-500 B.C.", *Iran* 3: 53-86.
- _____, 1966. "Survey in western Iran", *Journal of Near Eastern Studies* 25: 228-239.
- _____, 1969. *Excavations at Godin Tepe: first progress report*. Toronto: Royal Ontario Museum.
- _____, 1975. "An archaeological survey of the Kangavar valley", in: *Proceedings of the Third Annual Symposium on Archaeological Research in Iran*, 23-30. Tehran: Iranian Center for Archaeological Research.
- _____, and L. D. Levine, 1974. *Excavations of the Godin Project: second progress report*. Toronto: Royal Ontario Museum.